

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

با تمام توان خود ماهیت
ارتجاعی جنگ را افشا، و با
مقاومت مسلحانه خود از منافع
زحمتکشان دفاع کنیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۶ صفحه - ۲۰ ریال

پنجشنبه ۸ آبانماه ۱۳۵۹

سال دوم - شماره ۸۲

"جنگ کنونی و مسئله اعتبارات جنگی"

آن کشور به مسئله حادی تبدیل شد. لاسال و طرفداران وی به اعتبارات جنگی رای موافق دادند و بیل و لیبگنشتت بآن رای منفی دادند و بهمین دلیل توسط دولت بیسمارک دستگیر و زندانی شدند.

بقیه در صفحه ۱۲

بروز یک سلسله مشاجرات جدی گذشته است. در سال ۱۸۷۰ در جنگ بین فرانسه و پروس که جنگی بود تجاوز گران از جانب فرانسه و "تدافعی" از جانب آلمان رای دادن به اعتبارات جنگی دولت بیسمارک در پارلمان

مسئله اعتبارات جنگی و چگونگی برخورد مارکسیستها با آن همواره از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. و در جنگ های مختلف موجب

● سرمقاله "مسئله گروگانها" وبازسازی سیاست خارجی

اکنون در حالیکه قریب به یکسال از مسأله گروگانها می گذرد، برخلاف خواست و اراده توده های خلق، حاکمیت درصد در زادکردن آنهاست در این یکسال مسئله گروگانها، تنها مسأله زندانی شدن عده ای دیپلمات آمریکا نبوده است، بلکه موضوعی بوده که بر بسیاری از تغییر و تحولات سیاسی میهنمان و نیز سیاست خارجی حاکمیت تاثیر داشته است.

گاهی هر چند گذر او اجمالی بر این تاثیرات و بررسی ارتباط مسئله "گروگانها" با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چیزی است که که ما در اینجا بدان خواهیم پرداخت.

۱- مسئله "گروگانها" در چه شرایطی آغاز شده و چه تاثیراتی به اوضاع سیاسی جامعه داشته است؟ مسئله "گروگانها" هنگامی آغاز شد که بحران سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه مان هر روز پر دامنه تر و گسترده تر میشد. نارضایتی مردم بتدریج نضج گرفته و جنبشهای اعتراضی توده ها آهسته آهسته قدرت می یافت. جنبش مقاومت مسلحانه خلق کرده که حاکمیت کوششهای فراوانی برای درهم شکستن آن بکار برده بود، همچنان پایداری نموده و پیش می تاخت. بر چنین زمینه ای نیروها و سازمانهای انقلابی و مترقی بقیه در صفحه ۲

● رژیم جنایتکار عراق ماهیت ضد خلقی خود را عریان ترمی کند.

اکنون با گذشت چند هفته از آغاز جنگ دولت های ایران و عراق ماهیت جنایتکارانه و ارتجاعی این جنگ بیش از پیش آشکار

بقیه در صفحه ۷

و بران کردن خانه و زندگی انبوهی از توده های مردم. ماهیت ضد خلقی و جبره گریه خود را برای توده های زحمتکش هردو کشور ایران و عراق عریان تر ساخت.

در با مداد روز چهارم آبانماه رژیم ضد خلقی و جنایتکار عراق با حمله موشکی به دزفول و کشتار رده ها نفسراز توده های بی دفاع و زحمتکش میهن ما و

خلع سلاح توده ها در هنگام جنگ

صفحه ۱۲

چهره واقعی مدعیان عدل اسلامی

صفحه ۱۰

● در این شماره :

● اخبار کارگری

● اخبار جنگ خوزستان

● جنگ و حمله های سرمایه داران

● دشمنی هیئت حاکمه با ...

گرامی باد ۱۳ آبان سالروز مبارزات قهرمانانه دانش آموزان ایران

روز ۱۳ آبان یاد و خاطره شکوهمند مبارزات قهرمانانه دانش آموزان ایران است.

فربا در خروش میلیون ها دانش آموز در سرتاسر ایران، که مرگ را به هیچ گرفته و از نوپ و نانک دشمن خلق هر آسبی بدل راه نمی دادند، پشت رژیم شاه را بلرزده در آورد زحمتکشان میهن مان را شور و شوقی تازه بخشید. دانش آموزان این عجزهای سرسبز آینده در این روز تاریخی آنچنان حماسه ای از فداکاری آفریدند که برای همیشه بعنوان برگی زرین در تاریخ مبارزات دانش آموزان میهن مان ثبت خواهد شد.

دانش آموزان که نیروی قریب به نه میلیون نفر را تشکیل میدهند با مبارزه خویشتن نقش ارزنده ای در سرنگونی

بقیه در صفحه ۱۱

سیاستهای اقتصادی حزب جمهوری اسلامی دفاع از منافع سرمایه داران

صفحه ۵

جنگ زرگری حزب توده و "کمیته مرکزی"

صفحه ۴

تنها تسلیح توده ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله با هرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

نیمه از صفحه ۱

قادربودند ارتباطهای توده‌های خود را گسترش داده و بسیرت به‌وزنه‌های سیاسی در تحولات اجتماعی آینده تبدیل گردند.

گروگانگیری تأثیرات دوگانه و متضادی را بر اوضاع سیاسی جامعه گذاشت. این امر از یکسو به حاکمیت این فرصت را داد که به بهانه "مبارزات ضد امپریالیستی" جنبش اعتراضی طبقه کارگر و بطور کلی جنبش توده‌های راسرکوب کرده پورس به نیروهای پیشرو و انقلابی راجهت ایزوله و جدا کردن آنها از توده‌های مردم را تشدید کرده و از سوی دیگر، عملا وضعیت متشنج این توده‌ها را آزرده‌گزار نظریه‌پردازان ضد امپریالیستی و انقلابی سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی توده‌ها، فضیلتی مساعدی برای فعالیت نیروهای انقلابی بشمار میرفت. بنا بر این از یکسو مسئله "گروگانها" شرایطی را بوجود آورد که در آن حاکمیت تحت بهانه "ضرورت‌های مبارزه با آمریکا" سعی کرد تا امکانات دموکراتیک راه‌راهی بیشتر محدودتر نمود و از سوی دیگر از نظر سیاسی برای غیر قانونی کردن جریان‌های مترقی و انقلابی فراهم نماید، و از سوی دیگر برخلاف میل خود آنچنان زمین‌بر برای رشد مبارزات توده‌های علیه رژیم فراهم نمود که سیاست عمومی حاکمیت در درخشات با امپریالیسم بسیار دشوار گردید.

مساله "گروگانها" تأثیر بسیار مهمی بر روابط درونی هیئت حاکمه برجای گذاشت این مساله در طول یکساله اخیر نقش مهمی را در تغییرات تعادل نیروها به نفع حزب جمهوری اسلامی داشته است. در حقیقت "گروگانگیری" هنگامی آغاز شده که شرایط برای حزب از نظر کسب موقعیت برتر و کناره‌زدن لیبرالها به‌متناهی قدرت برتر، فراهم شده بود.

"گروگانگیری" اگر در مراحل اولیه موجب تقویت سیاسی حاکمیت در میان توده‌ها شد، اما اکنون که حاکمیت برای حل معضلات سیستم (حل بورژوازی مسائل) مجبور به آزادی گروگانها شده است، مساله گروگانها به‌سوانستی سیاسی حاکمیت منجر خواهد شد. در واقع اکنون پیش از آنکه برای حاکمیت مساله شرایط آزادی گروگانها و کسب امتیازات بیشتر از امپریالیسم آمریکا مطرح باشد، مساله توده‌ها و چگونگی فریب آنها که خواهان محاکمه علنی گروگانها هستند، مطرح است.

اکنون نیروهای انقلابی و مترقی در شرایط حساسی بسر می‌برند، شرایطی که در آن حاکمیت تلاش فراوانی برای "حل پرومندانسانه گروگانها" بکار می‌برد. افشاکری در این رابطه بویژه در این شرایط از اهمیت خاصی برخوردار است که بدون آن نمی‌توان بخوبی تمامی جوانب مساله "گروگانها" را برای توده‌ها توضیح داد.

موضع هر یک از جناح‌های مختلف هیئت حاکمه بر سر موضوع "گروگانها" چه بوده است؟ اشتباه است چنانچه مساله "گروگانها" را بدون ارتباط با سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم. بررسی صحیح این مساله میتواند چشم‌انداز روابط حاکمیت با دولت امپریالیستی آمریکا را نیز تا حدودی روشن کند.

در میان محافل مختلف هیئت حاکمه، سه قدرت وجود داشتند که میبایستی مواضع آنها در سیاست خارجی در نظر گرفته شود. مواضع این سه قدرت در مورد "مساله گروگانها" که اساسا در رابطه با خصلت طبقاتی خط مشی آنان در مورد

مسئله گروگانها

سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی قابل توضیح و تبیین است، بقرائز برمی‌باشد.

الف - لیبرالها: سیاست داخلی و خارجی لیبرالها پس از سرنگونی حکومت شاه و پدید آمدن اوضاع سیاسی نوین، بهترین بیان برای مناقصع طبقاتی بورژوازی ایران بوده است. طیف لیبرالها در کلیت خود، از همان ابتدای کار سرسختانه و بطور صریح و آشکار مخالف با "گروگانگیری" و ادامه آن بودند. آنها هم اکنون نیز تمام کوشش و تلاشهای خود را متوجه آزاد کردن گروگانها کرده‌اند. پس از سقوط دولت بارزگان و قدرت گیری بنی صدر بعنوان رئیس جمهور، شعار "نه شرقی، نه غربی" به‌متناهی فشرده و جوهر سیاست خارجی و در میان لیبرالها بصورت خط مشی غالب پذیرفته شد. مضمون واقعی این سیاست ارتجاعی و بورژوازی، عبارت است از نفی باصطلاح "دوا بر قدرت شوروی و آمریکا" و پیشبرد سیاست همکاری و اتحاد با دولت امپریالیست اروپائی و ژاپن، خط مشی لیبرالها (پس از روی کار آمدن بنی صدر) در مورد گروگانها نیز تا به این حد است. سیاست عمومی آنان در مسائل خارجی و بین‌المللی بوده است.

لیبرالها شدیداً "مخالف" "گروگانگیری" بوده و آنرا مغایر با منافع ایران (در واقع منافع بورژوازی ایران) می‌دانند. اما نه‌بدان دلایلی که خود در این زمینه مطرح می‌کنند، یعنی نه‌دلیل مغایرت "گروگانگیری" با "حقوق بین‌الملل"، بلکه دقیقاً بدلیل آنکه "گروگانگیری" تجدید سازماندهی تولید و ترمیم مناسبات سرمایه‌داری و بسته‌و استقرار نظم و ثبات بورژوازی در ایران را دچار اختلالات جدی کرده است. دلایل حقوقی ای که لیبرالها همواره در مباحث مربوط به گروگانگیری بدان استناد می‌جویند، صرفاً "اشکال عسوام فریبامو پوشش ایست که آنها به محتوای طبقاتی سیاستهای خود میدهند.

نادرست است اگر تصور کنیم، پس از حل مسئله "گروگانها" تبلیغات ضد امریکائی (در عین جلب حمایت امپریالیستهای اروپائی) جناح بنی صدر بایان خواهد یافت. هم خصلت سیاست لیبرال - رفرمیستی بنی صدر در مورد مسائل خارجی یعنی پیشبرد سیاست مخالفت با "دوا بر قدرت" و تکیه بر امپریالیستهای اروپائی و ژاپن و هم شرایط سیاسی و وجود جوشید ضد امریکائی در جامعه، ادامه سیاست کنونی را از جانب لیبرالها اجتناب ناپذیر ساخته است.

ب - جناح مسلط و رهبری کننده در حزب جمهوری اسلامی (بهشتی، رفسنجانی)، واقعیات در عرض یکسال گذشته بخوبی نشان داده است که حزب هیچگاه سیاست خارجی مشخص و تدوین شده و همگونی را ارائه نداده است. این حزب در رابطه با سیاست خارجی و علیرغم مواضع بظاهر ضد و نقیضی که اتخاذ نموده است، سیاست خارجی آن سیاستی بوده است که از جانب جناح مسلط آن یعنی جناح بهشتی - رفسنجانی به پیش رانده شده است. محتوای این سیاست با آنچه که بنی صدر تا کنون می‌بخش آن بوده است علیرغم (تفاوت‌های تاکتیکی) دارای تمایزات اساسی نبوده است.

مضمون شعار "نه شرقی، نه غربی" این جناح نیز چیزی جز مخالفت با "دوا بر قدرت امریکائی و

شوروی" از یکسو و همکاری سیاسی با دولت‌های امپریالیست اروپائی و ژاپن نبوده است، آنها با رها نارضایتی خود را از مسئله گروگانها " ضرورت حل آن ابراز نموده‌اند. این جناح حزب (بورژوازی کلریکالیست) از قضیه گروگانها تنها به‌متناهی حربه‌ای سیاسی بمنظور گسترش پایه توده‌های خود و ایزوله کردن جریان‌های انقلابی درون جامعه و نیز برای غلبه بر جناح لیبرال هیئت حاکمه سود جست است.

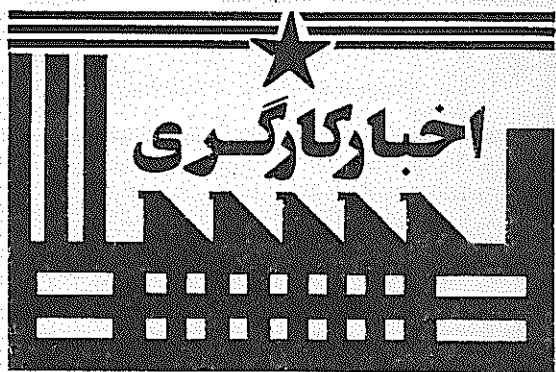
این انگیزه علیل تعیین کننده‌ی در سیاست حمایت گریا نه‌آنان از مسئله "گروگانگیری" توسط دانشجویان "خط امام" بوده است. باین ترتیب آنان برخلاف لیبرالها هیچگاه از سیاست با ثباتی نسبت به موضوع "گروگانها" برخوردار نبوده‌اند و در طول جریان ادامه "گروگانگیری"، بنا به "مصلحت جوئی" ها و مقتضیات سیاسی روز، گاه به سیاست لیبرالها و گاه به فشار توده‌های پائین حزب تمایل نشان داده‌اند. وهم اکنون شکل پوشیده و شیوه مزورانه‌ی آزادی گروگانها در قبال خدا کثرت استیضات از دولت امپریالیستی آمریکا، پشتیبانی می‌کنند. و این ناشی از موضع و ماهیت بورژوازی سیاستهای آنان است. اما واضح است که این جناح نیز پس از آزادی گروگانها به علت فشار توده‌های و بر اساس سیاست "نه شرقی، نه غربی" به تبلیغات ضد امریکائی خود ادامه خواهد داد. مشخصات سیاست خارجی این جناح نیز در کلیترین خطوط عبارت از ضدیت با اتحاد شوروی و مخالفت با امپریالیسم آمریکا از یکسو و تحاد سیاسی با دولت‌های امپریالیست اروپائی و ژاپن یعنی متحدین طبیعی امپریالیسم آمریکا از سوی دیگر است.

قدرت سوم، جناح "مجاهدین انقلاب اسلامی" بر رهبری جلال‌الدین فارسی است که در حزب از پایه و وسیع برخوردار است. دانشجویان پیرو خط امام نیز اساساً به همین جریان وابسته بوده و در این طیف جای دارند. این جریان ارتجاعی که نماینده عقب مانده ترین قشرهای جامعه است، علیرغم تمام کوششهای خود هیچگاه نتوانسته است به قدرت مسلط در حزب و یا هیئت حاکمه تبدیل گردد بلکه در هر دو حالت دنباله‌رو در سیاست و رهبری بورژوازی حزب بوده است. تضاد آنها با امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکانه از موضعی مترقی و انقلابی بلکه از موضعی ارتجاعی است و دارای یک جنبش و هیستری ضد کمونیستی هستند. این جناح که از همان ابتدا در تعارض با لیبرالها قرار داشته است، خواهان محاکمه گروگانهای امریکائی بوده است.

مواضع آنارشیستی این جناح بشدت با باصطلاح نظم خواهی و امنیت طلبی بورژوازی ایران در تناقض قرار دارد.

آنها در اکثر مسائل مربوط به سیاست خارجی هم با جناح بهشتی - رفسنجانی و هم به درجات بسیار حادث‌تری با جناح لیبرال درگیرند. اما با اینکه وجود آیت‌الله خمینی و نیویز پیوندهای ایدئولوژیک و وابستگی های عمیق مذهبی، آنان را در نهایت مجبور به حفظ وحدت حزب جمهوری اسلامی و پیروی از سیاستهای این حزب می‌کند. نتیجه آنکه پس از آزادی "گروگانهای امریکائی" نیز، علیرغم اختلافات و تضادهائی که مادر بلا بدان اشاره کردیم، پیشبردتر بازسازی سیاست خارجی ایران بر اساس اتحاد سیاسی با دولت امپریالیست اروپائی و ژاپن، مضمون اصلی سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی ایران، خواهد بود.

تعطیل دوروز در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است



اخباری چند از کارخانجات صنایع دفاع

مزدوران عراقی هستند. چون هم اکنون ارتش و پاسداران در کردستان مشغول سرکوب خلق کرد می باشند. و آنها نیز به "باروت" و مهمات احتیاج دارند. چه خوب بودن مزوره اعتراضی یک کارگر حاضر در جلسه به گوش همه کارگران می رسید. او که به خاطر ترس از "دادگاه اسلامی" نمیتوانست با صدای بلند صحبت کند، زیر لب می گفت:

"اگر باروت را واقعا فقط برای مقابله با هواپیماها و تانکهای عراقی بخواهید که هیچ، اما خلق بیچاره کردستان چه تاجاویز به مردم ایران کرده اند؟ چرا ما باید اسلحه ای بسازیم که میخوایند سینه مردم کردستان را نشانه بگیرد؟"

اخبار زیر نیز خود نشان دهنده این مدعا است که گردانندگان امور جنگ خطی را طی می کنند که می شود تا در ۳ میسسه خلاص کرد:

۱- بازگرداندن عوامل وابسته به رژیم سابق در ایام مور به جای تسلیح نوده ها در مبارزه با مزدوران عراقی.

۲- سرکوب همزمان خلق کرد و نیروهای انقلابی.

۳- فشار به کارگران در بالا بردن تولید، برای تقویت ارتش بدون توجه به حقوق ابتدائی کارکنان.

فشار جنگ بردوش زحمتکشان صنایع دفاع بیش از تمام صنایع سنگینی می کند. واحدهای مختلف صنایع دفاع که تولیدات مربوط به جنگ، از ساخت تعمیر و مونتاژ اسلحه گرفته تا مهمات جنگی و اسلحه گریز و وسائل مخابراتی را بعهده دارد، امروزه به شدت ترس و وحشی تحت فشار دولتیان قوای گرفته است. سرهنگ اسکوری مدیر عامل این سازمان در سخنرانی خود در روز یکشنبه ۷/۶ در حالی که برافروخته بود می گفت که:

"سازمان این واحدها باید تغییر کند. باید تولید را بالا ببریم چون که برادران ما در حال جنگ هستند، ما باید برای آنها باروت بسازیم. اگر کسی کار نکند یا کم کاری کند بعد از دادگاه اسلامی معرفی می شود."

او در سخنان خود بد رستی بر پایه دولت و گردانندگان امور جنگ را روشن نمود. منظور او از تغییر سازمان واحدها همان بازگرداندن عوامل ضد اطلاعاتی که بر اثر فشار کارگران اخراج شده اند، "تغییر سازمان آن ها همان بازسازی ارتش ضد خلقی است و فرار از تسلیح نوده ها. آن ها چگونه می توانند تجربه توده های مسلح در قیام بهمین ماه را که منجر به شکست یکی از قویترین نیروهای نظامی منطقه شد انکار کنند؟ یا وقتی می گویند "برادران ما در حال جنگند" نمی گویند در حال جنگ با

● کمیته پاکسازی کارخانه هم از او در مقابل کارگران حمایت می کند. وی که با اتحاد و همبستگی کارگران از یک قسمت بیرون رانده شده بود اکنون در قسمت دیگری آغاز بکار کرده است. او در بدو ورودش به این قسمت در جلسه ای به کارگران گفته بود اگر کسی من را نمی خواهد صلوات بفرستد، سالن از طنین صلوات پاكسازی و نمابنده های فرمایشی کارخانه با زور او را در همانجا نصب نمودند.

● در کارخانجات مهمات سازی، سرهنگ یزدانی رئیس کارخانه، دو افسر آگاه با تمام همکاری با رژیم سابق باز نسته شده بودند به کارگمارد. یکی از آنها سرهنگ صارمی و دیگری سرگرد سلاری است. علاوه بر حلقه به کوشی رژیم سابق کلاشی و فسادش نیز با نزدیکان می کارگران است. اخیرا کمیته پاکسازی نیز تعدادی دیگر از عناصر سرسپرده اخراجی را به کار دعوت کرده است. عین همین مسئله در اکثر واحدهای دفاع اجرا شده است.

در تمام این کارخانجات به مسئله ای که کمتر از همه توجه دارند، جان کارگران است. در هیچیک از این کارخانه ها پناهگاه مطمئنی وجود ندارد. کمیته ها در اسلحه موجود در برخی از این کارخانجات نیز چگون توسط خود کارکنان تشکیل نشده است، پیش از آنکه بقدرت جان آنها باشند بقدرت حفاظت از کارخانه هستند. بطور مثال می توان از شرکت صنایع هواپیمائی و شرکت نوسازی هلیکوپتر نام برد. که بدلیل قرار گرفتن در کنار فرودگاه تاکنون چندین نفر از زحمتکشان آن کشته و زخمی شده اند همچنان در معرض خطر بمباران قرار دارند.

در بعضی از این کارخانجات ساعات کار را اضافه نموده اند و حتی تا ساعت ۵:۳۰ صبح کارکنان از کارگران کار می کنند این مسئله علاوه بر آنکه احتمال آسیب دیدن کارگران در حملات هوایی مزدوران عراقی را بیشتر می کند. سبب تلفات کارگران نیز از کارگران در خستگی نرس می گویند. بطور مثال، محسد امین زار که در کارخانجات جنگ قرار می گیرد در حین کار از سقف کارگاه به زمین سقوط کرد و هم اکنون در بیمارستان تحت عمل جراحی قرار دارد. بسیاری از کارخانجات هم با تسلیح کارکنان در جهت خستگی

زیاد یکدیگر بخار منفجر شده یک نفر کشته و چند نفر زخمی شدند. ● در شرکت صنایع هواپیمائی نمایندگان شورای تحمیلی شرکت سعی در جلب توافقی کارکنان برای پرداخت یک روز حقوق خود به جنگ زدگان می نمایند (هفته دوم مهرماه). کارکنان که این مسئله را با اکراه پذیرفته اند می گویند:

"این پولها به چه حسابی ریخته می شود توسط چه کسی خرج می گردد. آیا واقعا بدست جنگ زدگان می رسد؟" و بعضی دیگر از کارکنان مطرح می کنند:

"این هم مثل پولهایی که به حساب ۱۰۰ مستضعفین ریخته می شود. آخر شرم معلوم نشدند این پولها کجا رفت؟"

● در کارخانجات جنگ افزار سازی به کارگران گفته اند "عده ای داوطلب برای جنگ در کردستان می خواهیم". این مسئله در شرایطی مطرح شده که مسئله جنگ با عراق از مهمترین مسائل روز می باشد.

● در کارخانجات پارچین گلوله (آر-بی-سی ۷) را که برای خنثی کردن آلوده بودن کارخانه منفجر شد و منجر به کشته شدن دو نفر شد.

● در شرکت نوسازی هلیکوپتر انجمن اسلامی اعلام کرده که نیروهای پیشرو و موحدین به هیچوجه حق استفاده از سلاح نباید داده شود، و تنها اعضای انجمن اسلامی در این رابطه مجاز

هستند. لازم است اضافه شود که در حملات اخیر که به این شرکت صورت گرفته بود مسئولین تیربار که اعضای انجمن اسلامی بودند بعضی دیدن هواپیماهای عراقی فرار و برقرار تر جیح دادند. ● بالاخره از اعزام کارکنان کارخانجات صنایع دفاع به جبهه جنگ باید صحبت کرد. در روزهای اولیه پس از جنگ در اشرف جوی که در کارخانجات ایجاد شده بود تبلیغاتی که در ایمن رابطه صورت می گرفت تعسداً ۲۸۰ نفر از ۳۰۰ نفر شاغلین این مجموعه داوطلب اعزام به جبهه شدند. این افراد که در حین اعزام با حشرات زیادی شعار "مرگ بر منافقین" می دادند با تکبیرهای پیایبی محل خود را ترک کردند و اکنون که حدود دو هفته بیشتر از اعزام آنها نمی گذرد حدود ۱۵۰ نفرشان دیگر حاضر به ماندن در جبهه نبودند و به اشکال مختلف خود را به تهران رسانده اند. ذهنیت افراد برگشته از جبهه کاملاً تغییر کرده است. هر یک به نحوی اعتراض خود را بازگویی کنند. عدم سازماندهی و نبودن رهبری مشخص در جبهه مسئله ای است که در صحبت آنان به وجه بارزی به چشم میخورد آنها می گویند "مسئولین بدون نظر گرفتن تمام جوانب امر آنها را اعزام کرده اند". طبق اخبار رسیده تاکنون ۲ نفر از این افراد کشته شده اند.

خلق دلیر بلوچ، زحمتکش سیستانی

روز ۲۲ مهرماه پاسداران مسلح به کارخانه بافت بلوچ در ایرانشهر حمله کرد و چند تن از کارگران بافت بلوچ را دستگیر و به زاهدان منتقل می نمایند. پاسداران علاوه بر آنکه به اعتراضات کارگران و خواسته هایشان مبنی بر آزادی دستگیرشدگان با شدت عمل پاسخ میدهند به تهدید و ارباب در سطح شهر می پردازند. اینک بر عهده ما است که با همه نیروی خویش در همه شهرها و روستاهای استان و هر جا که هستیم به حمایت از دستگیرشدگان که بدون هیچ علت و اتهام آشکاری بازداشت شده اند برخیزیم و همپای با سایر نیروهای مترقی از حقوق خلق بلوچ و بویژه خواست های برحق کارگران و زحمتکشان و مردم ایرانشهر برای آزادی دستگیرشدگان تلاش ورزیم.

انجمن دانش آموزان بلوچ

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید کرد

جنگ زرگری - حزب توده و "کمیته مرکزی"

در روابط دو بیلتا نیک بورژوازی این مساله بعنوان یک اصل پذیرفته شده که طرفین یک دعوا در عین اینکه مذاکرات اساسی و در نهایت نیز سازش خود را در پشت پرده به پیش میبرند، در صحنه سیاسی و در مقابل توده‌ها نیز دست به مانورهای تبلیغاتی بسیاری میزنند. سردادن فریاد های "هل من مبارز"، رد و بدل کردن فحش‌های دیپلماتیک و پرخاش بیکدیگر، در حالی که مذاکرات و یا حرکات گام بگام بسوی مواضع سازش در پس پرده جریان دارد، رسم جدال‌های بورژوازی است.

اپور تونیس بعنوان ستون پنجم بورژوازی در جنبش طبقه کارگر و بعنوان ناقل میکرب کثیف ایدئولوژی بورژوازی همواره "رسم پسندیده سرمایه‌داران را بخدمت خیانت‌های خود گرفته است".

اپور تونیسها همواره سعی در نفوذ دادن شیوه‌های کثیف و بورژوازی‌آمیز ای چون تبلیغات بورژوازی - دروغ‌پردازی و لاف زنی - چانه زدن سیاسی - دورویی و فریب توده‌ها و... نموده‌اند، یکی از این شیوه‌های پسندیده نیز کلاً آلود نمودن آب و مست کردن اذهان توده‌های هوادار توسط پرخاشجویی بی محاسنتوا و سطحی و گرفتار بوقع ماهی یعنی حرکت در جهت تعمیم و تحکیم مواضع اپور تونیستی

می باشد.

یکی از برجسته‌ترین و در عین حال آخرین موارد بکارگیری چنین شیوه‌های را در "پرسش و پاسخ" اخیر بین حزب توده و "کمیته مرکزی" می‌توان سراغ نمود.

حزب توده "با پشتوانه ۴۰ سال خیا نت پیگیر، نسبت به خطه روزیونیسیم و اپور تونیسیم راست احساس مالکیت و حق آب و گل شدیدی می‌نماید و اینکه که اپور تونیستهای جوان (و در نتیجه پر قدرت تر و تازه نفس‌تر) به این ملک یا نهاد دهند می‌خواهد از تازه وارد بودن آنها استفاده برده میخیزد رهبری و سردمداری خود را محکم نماید و از سوی دیگر "کمیته مرکزی" با تکیه بر توده‌های هوادار خود (که عموماً صادقانه بر حول نام فدائی گرد آمده اند) "کمیته مرکزی" سعی دارد با تکیه بر کم تجربه‌گی، توهم و سطح پائین ایدئولوژیک آنان را در تار و پود های تشکیلات خود حفظ نماید) حاضر نیست تن به رهبری این پیرو فرتوت و پیوسیده دهد. در نتیجه جنگی زرگری نه بر سر اختلاف مواضع و تضادهای ایدئولوژیک بلکه بر سر اعمال هژمونی بر یکدیگر در بین این دو درگیر شده است.

کیا نوری در پرسش و پاسخ (جلسه ۲ مه ماه) مواضع و نظرات حزب "نسبت به "اکثریت" از ایدین صورت بیسان

میکنند که:

۱- اکثریت توانسته است در ماههای اخیر بسیاری از مواضع اشتباه خود را تصحیح کند و مسا از این نظر بسیار خوشحالم.

۲- اکثریت "در جوار این تغییرات بنیادی و اساسی در ظاهر برای حفظ "هواداران چپ" خود به فحش و ناسزاگویی "به حزب توده" نیز میپردازد و ما از این مسئله متاسفیم.

۳- ما حاضریم با کمال خوشوقتی "و حتی بدون بگرای منقسی" اکثریت را به عضویت در "حزب" خود بپذیریم تا خدمتی نیز به جنبش شده باشد و تعداد نام "سازمان چریکهای فدائوسی خلق" موجب شتت اذهان توده‌ها نگردد.

۴- دلیل بر حق بودن چنین خواستی همین بس که "اکثریت" همواره شش ماه بعد به همان مواضع و نتایجی دست می‌یابد که "حزب توده" شش ماه پیش دست یافته است.

تا اینجا قضیه از نظر یکی از طرفین روشن است. اختلافی در مواضع اساسی ایدئولوژیک نیست بنا بر این میتوانیم با هم یکی شویم ولی شرط احترام به سابقه و تجربه ما در زینتسه روزیونیسیم و اپور تونیسیم و خیانت به طبقه کارگر ايجاب میکند "اکثریت" رهبری ما را بپذیرد و خود را در "حزب توده" ادغام نماید.

از سوی دیگر "کمیته مرکزی" در شماره ۸۰ ارگان سراسری خود به کیا نوری و "حزب توده" پاسخ داده است. مطالعه دقیق این پاسخ بسیاری از مسائل را روشن میکند. هر گاه بخواهیم چکیده این پاسخ را بیان کنیم به این صورت خواهد بود که حزب توده "چون شهادت است که ما (یعنی اکثریت) با تکیه بر تحول و انسجام ایدئولوژیک ایجاد شده در سازمان خود به تنها محور جنبش کمونیستی ایران تبدیل شده ایم و به سرعت بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر "روانیم، در نتیجه به وحشت افتاده است و با توسل به شیوه تبلیغاتی بورژوازی و دروغ‌پردازی و همچنین اتکا به توهم و ناساگاهی توده‌ها می‌خواهد به دروغ خود را رهبر جنبش کمونیستی ایران قلمداد کند. و با اتکا به این دروغ - پردازیهات که پیش نهاد داده "اکثریت" به "حزب توده" ببینند.

قضیه از نظر طرف دیگر دعوا نیز روشن شد. در پاسخ "اکثریت" به "حزب توده" هیچگونه سخنی از اپور تونیسیم و روزیونیسیم حاکم بر "حزب توده" نیست. هیچگونه بحثی از خیانت‌های این "حزب" به جنبش طبقه کارگر و به دنباله روی این حزب از بورژوازی در میان نیست. هیچ سخنی در پاسخ یا اینکه چرا

"اکثریت" همواره با شش ماه تاخیر فاز به تحلیلهای "حزب توده" میرسد نیست... یعنی مشخصاً هیچگونه اختلافی از نظر مواضع طرح نمی‌شود، بلکه دعوا کلاً بر سر اینست که رهبری در دست "حزب توده" نیست بلکه در دست اکثریت است.

در نتیجه با بررسی نظرات طرفین قضیه کلاً روشن میگردد و آن اینکه جنگ زرگری موجود در بین "اکثریت" و "حزب توده" در وجه عمده خود بر سر اینست که رهبری اپور تونیسیم راست را کدام یک بدست دارند و در پس این جنگ زرگری حرکتی گام بگام در جهت تثبیت و تحکیم مواضع اپور تونیستی و برقراری سازش‌نهایی قرار دارد.

نکته آخره، حور اصلی سخنان کیا نوری را این مساله تشکیل میدهد که مواضع "اکثریت" سرعت بهبود می‌یابد و "اکثریت" همواره "شش ماه بعد" به تحلیلی می‌رسد که "حزب توده" شش ماه پیش از آن رسیده و "اکثریت" با سکوت خود در مورد این قسمت از سخنان کیا نوری "بالاجبار" بر این واقعیت صحنه نهادهاست. و این تها را او نیز بوده زیرا فقط یک مقایسه ساده و بدور از ظاهر بینی بین موضعگیری‌ها و تحلیلهای این دو مساله را بر هر فرد صادقی روشن می‌کند.

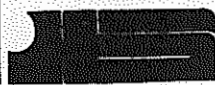
با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید!

رفقا، دوستان، هواداران! هم‌اکنون اطلاع دارید، پس از انشعاب، "کمیته مرکزی" از تحویل هرگونه امکانات به سازمان خودداری کرد. با توجه به اینکه گسترش فعالیت‌های هر سازمان انقلابی به کمکهای هواداران و طرفداران آن سازمان بستگی دارد از کلیه رفقا، دوستان و هواداران می‌خواهیم که ما را از امکانات خود با خبر کنند و بالاخص کمک‌های مالی خود را از راه‌های مطمئنی که می‌شناسند برای ما بفرستند.

۲۱۰۰	ب	۱۴۱۹	۳۰۲۰۰	۱۱۰۵	۱۰۱۰۰	۱۱۰۵	۱۱۰۵
۵۱۱۰	ع	۱۴۱۹	۳۰۲۰۰	۲۰۲۲	۹۰۰۷	۲۰۲۲	۲۰۲۲
۱۱۱۱	ب	۱۲۱۴	۱۰۰۵۵	۲۲۲۲	۵۱۴۵	۲۲۲۲	۲۲۲۲
۸۴۰	د	۱۲۱۴	۱۰۰۵۵	۱۱۰۰	۱۱۰۰	۱۱۰۰	۱۱۰۰
۱۰۱۲	ب	۱۰۰۵۵	۱۰۰۵۵	۱۱۰۰	۱۱۰۰	۱۱۰۰	۱۱۰۰
۹۶۱	ب	۱۰۰۵۵	۱۰۰۵۵	۱۱۰۰	۱۱۰۰	۱۱۰۰	۱۱۰۰
۸۲۰	ب	۱۰۰۵۵	۱۰۰۵۵	۱۱۰۰	۱۱۰۰	۱۱۰۰	۱۱۰۰
۵۱۰	ح	۱۴۴۴	۳۰۰۸۸	۱۴۱۹	۶۱۰	۱۴۱۹	۱۴۱۹
۱۷۲۹	ب	۱۴۴۴	۳۰۰۸۸	۱۰۱۴	۴۱۲۰	۱۰۱۴	۱۰۱۴

رفقای بندرعباس	۷۴ - م - ۲ مل	امانت شمار سیمد	رفقای الف	ل
۲۰۰۰ ریال	۵۰۰ ریال	۵۰۰۴ ت	گلدوزی شمار سید	۲۲۰۰
۴۰۰	رفقای ساری	رفیق منزه	۷۸۶ ص	۱۰۲۲۲
رفقای گرمی دشت	۵۰۰ ریال	رفیق ش ۱۱	امانت شمار سید	۴۵۰
مغان	رفقای خزانة	ح شراز	رفقای شهرکرد	۳۳۸۸
۸۰۰۰ ریال	۲۲۰۰ ریال	۱۰۰۰ ریال	۱ - ف ۱۲۲۱	۲۱۴۲
رفقای نارمک	رفقای نیشابور	ت ۲۶ مل	م - د ۱۱۲۳	۱۵۲۲
۵۰۰۰ ریال	۸۰۰۰ ریال	۵۰۰۰ ریال	ر - ط ۱۱۲۴	۱۱۰۰
رفقای دبیرستان	رفیق روزه	امانت یک معلم	س - م ۱۲۲۱	۱۳۵۷
باختر ۱۲۱۰	۲۰۰۰ ریال	روستا	ه - س ۱۱۲۵	۹۲۲۵
رفقای شهرضا	رفقای خمین	ب - ر ۲۱۰۰	ب - م ۱۱۲۵	۳۰۳۴
۱۵۰۰	۳۴۳۲	ر - الف ۴۲۵۰	ط - ج ۱۱۸۲	۲۱۱۸
رفقای شیراز	رفقای مدرسه معلم	ش - م	۱۹۹۹	۵۳۸۱
۱۹۰۰	۵۵۰۰ ریال	۲۱۰۰۰ ریال	۵۴۵۴	۵۱۱۱
۱۸۰۰	رفقای کارگر	م - ن ۲۵۹۸	رفقای	۱۱۰۰
۲۵۰۰	۱۰۰ ریال	۱۲۸۲	پنهاوند	۲۱۱۲
بدون اول نام	رفقای زنجان	رفقای وین	ف - م	۵۳۳۳
۶۰۰۰	۴۲۳۴	ن ۷۵۰۰ ریال	۱۵۱۵۰	۱۲۷۹
۱۶۰۲		رفقای پزشکی	۵۱۱	۵۱۱
		۸۵۰۰ ریال	۴۲۳۵	۴۲۳۵

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



سیاستهای اقتصادی حزب جمهوری اسلامی دفاع از منافع سرمایه‌داران

چندی پیش بنا به ابتکار حزب جمهوری اسلامی
سمینار انقلاب فرهنگی اقتصادی بازار برگزار
شد، که علاوه بر تجار سرشناس سران حزب نیز در
این سمینار سخنرانیهائی ایراد کردند. گرچه
کمیونستانها بر اساس آنچه که افراد احزاب ادعا
می‌کنند می‌گویند، بلکه بر اساس آنچه که واقعا
انجام می‌دهند، در مورد آنها تفاوت می‌کنند،
اما بمنظور شناخت هر چه بیشتر مواضع حزب
جمهوری اسلامی لازم دانستیم بویژه گفتار سران
حزب را در این سمینار مورد بررسی قرار دهیم.
پس از قیام احزاب و نیروهائی که نمایندگی
بورژوازی متوسط را بر عهده داشتند و هر یک
بشیوه خاص خود در پی راه حل بحران و نحوه
حکومت بر مردم بودند، تشکیلات خود را گسترش
دادند.

حزب جمهوری اسلامی نیز علیرغم ترکیب
ناهمگون و گرایشات متعدد که نتیجه تشکیل این
حزب در شرایط قیامی و بحران سیاسی بود،
دارای ماهیتی معین بود، که از سیاست طبقاتی
معینی دفاع می‌کرد.

سیاستهای این حزب گرچه بظاهرتناقضاتی را
در برداشت، اما در واقع خط معینی را دنبال
میکرد. سیاستهای اقتصادی آن نیز نوع دیگری از
حل مسائل سرمایه‌داری را در شرایط بحران
اقتصادی موجود بنمایش گذاشت.

حزب جمهوری اسلامی در قانون اساسی که در
واقع مشروری می‌باشد، از مشروعیت مالکیت دفاع
نمود. شاید این امر می‌توانست ماهیت بورژوازی
این حزب را نشان دهد، اما فریب کاریهای این
حزب، هنوز در مجموع ماهیت و عملکردهای
بورژوازی آن را برای عده‌ای در پرده ابهام
نگاه داشته است.

حزب جمهوری اسلامی همانگونه که میدانیم
در شورای انقلاب اکثریت را داشت و اساسا
سیاستهای این حزب از کانال شورای انقلاب
اعمال می‌شد. کمتر تردیدی میتوان داشت که
سیاستهای شورای انقلاب در طول حیات خود
چیزی جز تلاش در جهت حفظ و بازسازی سیستم
سرمایه‌داری و مقابله با خواستهای بحق توده‌های
زحمتکش نبوده است. این سیاست دقیقا "مورد تأیید
حزب جمهوری اسلامی بوده است. روزنامه ارگان
این حزب در تاریخ ۲۴/۶/۵۹ ضمن ارزیابی
سیاستهای شورای انقلاب، از این سیاستها
بعنوان "عملکردهای درخشان" یاد کرد.

بهر حال هدف ما در این نوشته ارزیابی سمینار
فوق الذکر است که از نهم تا پانزدهم تیرماه برگزار
شد. این سمینار با سخنرانی دکتر باهنر، بهشتی و
بعضی از برادران!! صنفی (از قبیل آقای علی
اکبر استاد تاجر معروف و رئیس صنف آهن
فروشان ...) آغاز و همراه با صدور یک قطعنامه
بکار خود پایان داد.
آقای باهنر بعنوان مدخل بحث از این مسئله

آغاز می‌کنند که "دیگران انقلابشان، انقلاب
سیاسی است، انقلاب اقتصادی است، اما در
انقلاب اسلامی ما انقلاب فرهنگی مطرح است...
مارشها و انقلاب فرهنگی میدانیم، جناب باهنر
معتقد است که از طریق انقلاب فرهنگی، انقلاب
سیاسی و آنگاه اقتصادی میسر است. رشتنا زاینجا
آغاز میشود و باید در احکام اخلاقی که باید همه
برادران برپا کنند، سود زیاد نبرند، مصرف
نمایند، سطح تولید را بالا ببرند، ادامه پیدا
می‌کند و خلاصه صامت تمام پیشنهادات سمینار را
اخلاق، ایثار، مجاهدت!! تمامی انسانها،
اعم از سرمایه‌دار، کارگر، خانم خانه‌دار... تعیین
می‌کند.

سخنان باهنر انسان را بیاد کلیسای پادشاهان
روحانی می‌اندازد که باید نصیحت پدرگونه‌ای،
همه را اعم از سرمایه‌دار و کارگر، به صلح و صلح و
برادری دعوت می‌کنند، احکام اخلاقی صادر
می‌کنند و نویدی می‌دهند بشرط رعایت احکام الهی
همه مصائب و بدبختی‌های بشری از میان می‌رود.
در اساس و پایه جامعه نباید تغییری صورت پذیرد،
بلکه هدف اصلاحاتی در روئینای جامعه و نه
رعایت احکام اخلاقی و مذهبی است که بدستمال
خود، دیگر کونیهای سیاسی و اقتصادی را پدید
می‌آورد.

این سخنان باهنر البته بهیچوجه تازه‌گی ندارد،
نظریه پردازان بورژوازی با اشکال مختلف، این
نظرا تبلیغ و ترویج کرده می‌کنند، اما هنر آقای
باهنر در این است که ویژگی جامعه ما را بخوبی در نظر
گرفته سعی می‌کند، با در نظر گرفتن این ویژگیها
به‌تنوع نظر در نظریات مدافعین نظام سرمایه
داری یاری رساند.

مسئله سود از دیدگاه سران حزب جمهوری اسلامی

حجت الاسلام معتقد است که فرهنگ جامعه
یعنی "مجموعه اعتقادات و خصلتها و گرایشهای
یک جامعه، در یک جامعه‌گامی مسئله تکاثر یکی از
عناصر فرهنگ آن است، فرهنگ تکاثر عبارتست از
"فرهنگ سودجویی" و همچنانکه بعدا خواهیم
دید، بقول آقای بهشتی پاره‌ای از "سودها معقول
است و قابل قبول".

بنابراین آنچه که انگیزه کسب سود است، جزو
فرهنگ جامعه است و چنانچه این سود قابل قبول و
معقول باشد، حتما "با انقلاب اسلامی که همان
انقلاب فرهنگی است وفق دارد. بنابراین، رسالت
انقلاب اسلامی که عمدتاً انقلاب فرهنگی است،
در زمینه "اقتصاد و انقلاب اقتصادی" عبارتست
از معقول کردن و قابل قبول نمودن سود باهنر زمینه
فرهنگی افزون طلبی و ریشخند زایی می‌کند و نتیجه
می‌گیرد: ملتی که شهید داده، ملتی که انقلاب

فرهنگی کرده است، باید با فرهنگ و اخلاق شده و
در فرهنگ آن آنچنان "دگرگونی بوجود آید که ما
احساس می‌کنیم در یک جامعه‌ای هستیم با
خصلتها، روشها و احساسات انسانی و اسلامی"
این دگرگونی عبارتست از اینکه "کارخانه‌دار به
میزان درآمدی که از این کارخانه می‌خواهد داشته
باشد "قانع گشته و دست واسطه‌ها کمتر شود
بنابراین یک یاد دوست، شاید در بعضی موارد
هم سه دست کافی است" و فروشنده شیوایا محاسبه
کنند که بیش از حد روی جنس به آن "کارگر بیچاره و
کارمند جزئی و پیشه‌ور ضعیف که به زحمت در روز
پنجاه تومان و هفتاد تومان درآمد داشته باشد
نکشیده، به این ترتیب بایک دگرگونی سود تعدیل
می‌شود و با انقلاب فرهنگی، انقلاب اقتصادی
تحقق خواهد یافت!!

آقای باهنر سرانجام پس از نصایح اخلاقی و یاد
بیچارگان کردن، حرف آخر خود را می‌زند.
کارخانه‌دار، تاجر بازار و همه سرمایه‌داران باید
افراد قانع باشند و آن حد سود ببرد که رعایت
حال "کارگر بیچاره، کارمند جزئی و پیشه‌ور ضعیف"
هم بشود. موضع آقای باهنر در برخورد با مسئله
سود افزون طلبی، از موضع برخورد بورژوازی
متوسط به بورژوازی بزرگ است. همان بورژوازی که
تا دیروز با انباشتن تمامی ثروتها در دست خود و
کسب سودهای کلان نه تنها رعایت سهم بورژوازی
متوسط را نمی‌کرد، بلکه جامعه را به مرگهای
انفجاری سوق داد. آقای باهنر به سرمایه‌داران -
توصیه می‌کند، که این فرهنگ را بکناری بگذارند،
حالا که سرمایه‌داری همچنان با برجاست
و سرمایه‌داران متوسط عمدتاً قدرت سیاسی را در
دست دارند، خصوصیات بدو زشت بورژوازی
بزرگ را که می‌بین آنها! وهم بزبان جامعه! بوده
است بکنار بگذارند، البته بگذریم از اینکه آنچه
آقای باهنر می‌گوید صرفا "از جنبه اخلاقی" مسئله
مطرح است و لا غیر.

آقای بهشتی در ادامه صحبت‌های دکتر باهنر
رشته کلام را بدست می‌گیرد و سخنان وی را تکمیل
می‌کند.

او نیز با سود "معقول و قابل قبول" مخالفتی
ندارد، بلکه با هم بحث بر سر میزان سود است.
بهشتی مسئله، روشن تر بررسی می‌کند و می‌گوید
"سرمایه‌مجموعا" بیکی از سه حالت است:

- ۱- در شکل وسایل تولید،
 - ۲- در شکل مستغلات،
 - ۳- در شکل سرمایه در گردش.
- در باره سرمایه به شکل وسایل تولید می‌گوید:
"این سرمایه را اگر برایش سودی، قابل شوم، البته نه
بآن نرخهای کلان بالا، بلکه بایک نرخ معقول
محدود متعادل از نظر اقتصادی قابل فهم است و
قابل قبول."
الحق که آقای دکتر بهشتی سهامداران بانک
بقیه در صفحه ۶

سرکوبگران خلق که ریشه من همه خلقهای ایران هستند

اسلامی که متجاوز از ۲ میلیون تومان در آن سرمایه اسمی دارد (در هنگام تاسیس بانک در اردیبهشت ۱۳۵۸) همچون یک ایدئولوگ سرمایه داری اظهار نظری کند.

این حق مسلم مالکین وسائل تولید است که با در اختیار داشتن وسائل تولید و استثمار کارگران سود معینی را که همان ارزش اضافی است، بجیب بزنند و بر سرمایه خود بیافزایند و البته سواى اینکه این نرخ باید معقول باشد! از نظر اقتصادی قابل فهم است و قابل قبول " چرا که نباشد؟

در جامعه‌ای که مناسبات سرمایه داری حاکم است، در جامعه‌ای که سرمایه حکومت می کند، حال بشکل متوسط اش باشد یا بزرگ، سرمایه داران این حق را دارند که با استثمار کارگران سود معقولی را بجیب بزنند. دکتر بهشتی ادامه میدهد... می گوید: " سرمایه در شکل مستغلات، این هم اگر برایش اجاره‌ای قائل باشم، باز هم محدود و معتدل نه اینکه هر چه دلشان می خواهد، قابل فهم است." حال چکسانى صاحب مستغلات هستند، چه کسانی مالک میلیونها تومان خانه، مغازه، باغ و امثالهم هستند، و در هر ماهه در آن مدکلانی از این طریق بجیب میزنند؟ روشن است که در اینجا نیز سرمایه داران است در اینجا بروشنی می بینیم که دکتر بهشتی طبقه سرمایه دار را بمانند یک کل و سرمایه را بمانند یک رابطه اجتماعی در نظر می گیرد. منطق ایدئولوگ سرمایه (حتی اگر در بکار بردن اصطلاحات ناشی باشد و یک اقتصاددان خیلی خوب هم نباشد) نه تنها سرمایه دار صنعتی حمایت می کند، بلکه از آن بخش سرمایه که به بخش ساختمان و مستغلات منتقل شده نیز حمایت می کند. ایشان با صراحت بیشتر " موضع طبقاتی خود را نشان میدهد و می گوید: " گرفتن گریه سود برای سرمایه در شکل کالاهای ماندنی (مستغلات...) اجمالا" معقول و قابل فهم است.

تا اینجا دکتر بهشتی تکلیف سود معقول را در دو زمینه سود مربوط به ابزار و وسائل تولید و سود ناشی از سرمایه بصورت مستغلات!! روشن کرده است. اما در مورد سرمایه‌های هر گردش کرامت می کند و آنرا از سود بری می داند " سرمایه بازرگانی نباید سود دهی داشته باشد " اما بلافاصله برای رفع هرگونه ابهام و روشن شدن وضع " سرمایه در گردش" می گوید تاجری که ۳ میلیون نخود و لوبیای می خرد، حداکثر می تواند ۴ هزار تومان (برای خرج خود و شاگردان و مغازه و استهلاکات کالا) روی ۳ میلیون تومان کشیده و آنرا " سه میلیون و چهل هزار تومان فروخت "

همانگونه که در قسمت اول بحث دیدیم، دکتر بهشتی با صراحت از استثمار کارگران بوسیله سرمایه دار، بعنوان منشاء سود برای سرمایه تولیدی (البته با درک وی از مسئله) حمایت می کند، اما وی گفته " حذف کامل سود و بهره دهی سرمایه در گردش " را در دستور کار قرار میدهد، مبلغ ۴۰۰۰۰ تومان را از کجابه سرمایه تا جرات اضافه می کند. روشن است که این نیز بخشی از ارزش اضافی است که به تاجر تعلق می گیرد. آن سه میلیون از کجا آمده است و چگونه میتواند در گردش باشد؟ چرا کارگران و شاگردان تاجر سه میلیون تومان ندارند؟ منبع انباشت سرمایه در کجاست؟ در حقیقت مسئله اینجا سبب که سرمایه داران و تاجر که از یکدیگر نمی توانست سودی دریافت دارند، سود تمام سرمایه داران - ناشی از استثمار کارگران می باشد. در روند تولید و تجدید تولید کل طبقه سرمایه دار، از کل ارزش تولید شده بوسیله طبقه کارگر بهره مند می شوند. پس ۳ میلیون تومان سرمایه فلان یا بهمان تاجر حاصل دسترنج کارگران می باشد و این روند انباشت سرمایه تا هنگامیکه سلطه طبقه سرمایه دار منکوب

نگردد، ادامه خواهد داشت. در اینجا بروشنی می بینیم که چگونه آقای بهشتی بازرنگی خاصی از سلطه و منافع سرمایه داران دفاع می کند.

علت گرانی

در ماده اول قطعنامه آمده " یکی از علل گرانی، احتکار و سودجویی افراد خودخواه و ناصالح است که همافکار وجود دارند " با هنر و بهشتی نیز علت گرانی را همین سودجویی و افزون طلبی می دانند. و در مقدمه قطعنامه آمده است که " آن کارگری که با کم کاری و اختلاصی همیزان عرضها کاه می دهد... علت گرانی هستند.

حزب جمهوری اسلامی علت گرانی را سودجویی افراد می داند و ریشه آن را در مناسبات سرمایه داری وابسته جستجو نمی کند. و این افراد ناصالح نیز در تمامی افسار وجود دارند. طبعاً کارگری که کم کاری کند نیز گران فروش است (اشاره به سخنان یکی از تجار در سمینار). حزب جمهوری اسلامی در لحظاتی که بحران جامعه را فرار گرفته، مانند هر حزب سیاسی دیگر حاضر است افراد اقرانی حفظ مناسبات نماید. حزب جمهوری اسلامی ریشه گرانی و تمامی مضلات جامعه را در سرمایه داری وابسته نمی داند بلکه متوجه افرادی داند. آیا دفاع از مناسبات موجود، در شرایط موجود بهتر از این ممکن است؟ از یکسو آقای بهشتی حاکمیت بی قید و شرط - بر ابزار تولید را مجاز می شمارد، دکتر با هنر وجود کارخانه دار را مشروعیت می دهد، قطعنامه و منشور اقتصادی حزب جمهوری اسلامی خواهان امکان رشد بخش خصوصی (ماده پنج قطعنامه) می باشند و از سوی دیگر سران حزب عواقر بیابانه خواهان از میان رفتن گرانی نیز هستند.

بین المللی شدن روابط سرمایه داری و اینکه مناسبات اقتصادی حاکم، در ارتباط ارگانیک با نظام سرمایه داری جهانی قرار دارد، تورم و گرانی را به همراه بحران تشدید شده، به جامعه ما سرایت می دهد. تا هنگامیکه این مناسبات وجود دارند، ریشه گرانی و احتکار... از میان نخواهد رفت. حزب جمهوری اسلامی علی رغم اینکه از احتکار بدمی گوید، اما از تاجران به نفع نظام سرمایه داری وابسته نمی پردازد و این بدلیل موضع طبقاتی اوست، عملاً بر گرانی و تمامی مناسبات ناشی از سرمایه داری وابسته صحه می گذارد.

بهره

قطعنامه سمینار و همینطور آقای بهشتی خواهان " حذف بهره از سیستم بانکی " هستند (مسأله ۷ قطعنامه) بنا بر این دولت باید سرمایه بدون بهره در اختیار افراد و شرکتهای تعاونی قرار دهد و این خود نقش محتکران و انحصارگران را به حداقل ممکن می رساند " (همانجا).

شاید گروهی این حرکت حزب جمهوری اسلامی را مبنای قرار داده و برخی دیگر شعوف شوند و اینرا بعنوان یک حرکت ضد سرمایه داری از جانب حزب جمهوری اسلامی ارزیابی نمایند. این رفق با این بداند که احکام اسلامی حزب جمهوری، در حالیکه ربا و بهره را نفی می کند، اما با هزاران کلاه شرعی و قسم آیه، با موقلاتی چون " بیع " مضاربه و " مصالحه " ترا مشروع می داند. و اگر این نیز کافی نباشد، باید به این رفق بگوئیم نظر حزب جمهوری اسلامی، چیز عجیب و غریبی نیست. کینز بد تبسال بحران سالهای ۳۲- ۱۹۳۰ مسئله از میان بردن بهره را مطرح می کرد. و امروزه نیز برخی ایدئولوگهای

سرمایه جهایی (پتن بزرگ) و ایدئولوگهایی که تئوریهای " شمال و جنوب " کشورهای پیشرفته و عقب مانده را اختراع کرده اند، خواهان پرداخت وامهای بدون بهره به کشورهای تحت سلطه هستند تا سرمایه در آنجا تحرک پیدا کند.

تمامی مسئله در این است که حزب جمهوری اسلامی به حاکمیت و سیستم کار اجتماعی چگونه برخوردی دارد. همچنانکه دیدیم حزب در قانون اساسی مالکیت را مشروع می داند، با هنر و بهشتی و همینطور قطعنامه اقتصاد و فرهنگی حزب طبقه ای را که مالک ابزار تولید و در تولید شرکت ندارد (سرمایه دار) مشروعیت می بخشد.

در شرایط معینی بویژه هنگام بحران و هنگامی که دولت منبع اصلی تامین اعتبار برای سرمایه داران است، حذف بهره نه تنها ضرات اساسی متوجه سرمایه داری ساخته بلکه موجب تحرک بیشتر آن نیز می شود.

کارگر، سرمایه دار

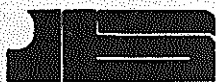
با هنر و بهشتی متوجه وجود کارخانه دار نیستند. آنان بر استثمار کارگران نیز صحه می گذارند. آنان در تمامی سخنرانی خود ایدئولوژی ثروت و محدود کردن مالکیت خصوصی اشاره ای ندارند. با هنر معتقد است که کارخانه دار سهم کارگر را می دهد و آنچه که افزون طلبی و نتیجه گرانی را در آن می زند عبارتست از اینکه سرمایه دار خصوصی به میزان سود مناسب قانع نیست. عبارت طولانی زیر، نظر حاجت الا سلام با هنر را بخوبی روشن می سازد.

" همان کارخانه دار که خصماً " فرض کنیم کارخانه اش روی سرمایه خصوصی میگردد. آن کارخانه دار به میزان درآمدی که از این کارخانه می خواهد داشته باشد و میزان سهمی که به سرمایه می دهد قانع نیست. یعنی میزان سود برای سرمایه گذار روغنی همراهد با ناکثر. شد با افزون طلبی، بعد قیمت گذاری محصول این کارخانه می رود بالا، برای اینکه در قیمت گذاری یک سهمی برای حقوق کارگر است، یک سهمی برای مواد خام است، یک سهمی برای مدیریت است و یک سهمی برای فلان چیز تمام اینها حساب می شود یک سهمی هم برای سرمایه است. برای سود سرمایه به کم قانع نیست قیمت می آید بالا " و اضافه می کند " آیا واقعا برای انسان گوار است که از این بیچاره کارگری یا از کارمند جزئی و از یک پیشه ور که ممکن است به زحمت در روز پنجاه تومان و هفتاد تومان درآمد داشته باشد، من از یک کیلو چغنی که به دستش می دهم بخوام دو تومان، پنج تومان، عتومان استفاده ببرم "

چرا گوار نباشد آقای با هنر!! بسیار هم گوار است و نوش جان طبقه سرمایه دار که شما و شرکا نمایندگان آن هستید!! با هنر و بهشتی سود را در حد معقول آن مجاز می دانند. و تنها همین سود است که منشأ تمامی نابرابریهای جامعه می شود. تمامی مسئله در این است که سرمایه دار سهم حقوق کارگران را نمی دهد.

کارگران که بخشی از ارزش تولید شده را بعنوان مزد دریافت می دارند، در برابر وارد مبادله می شوند. مزد خود را برای خریدن کالاهای تولید شده خویش می پردازند. در اینجا سودی حاصل نمی شود. سود عمدتاً ناشی از ارزش اضافی می باشد. ارزش اضافی بخشی از ارزش تولید شده کارگران است که بوسیله سرمایه داران تصاحب می شود. این است آنچه که اقتصاد سیاسی مارکسیستی کشف کرده و همین رهنمود ارزنده ایی است که تمامی سرمایه داران و نمایندگان سیاسی

کنترل کارگری تنها راه مقابله با کمبود و گرانی



دشمنی هیئت حاکمه بانبروهای انقلابی

دولت جبهه‌سوزی اسلامی که در طی نزدیک به دو سال پس از تپا مبه آشکارترین وجهی دشمنی خود را نسبت به نیروهای انقلابی نشان داده است و از هر فرصتی برای حمله و سرکوب فدائیان خلق و دیگر نیروهای انقلابی استفاده نموده است. این سیاست خود را با همان حدت و شدت در حین جنگ ادا کرده است. هیئت حاکمه در همان حالی که از طریق رسانه های گروهی و دستگاه های تبلیغاتی خود سعی می‌کند چهره نیکوئی را جلوه کند که نیروهای انقلابی در مناطق جنگی حضور ندارند و شهر را تسکین کرده اند، و مدام می‌پرسد که نیروهای انقلابی یا بقول آنها خلقی ها کجا هستند، در همان حال بیشترین فشار را در مناطق مذکور به نیرو های انقلابی وارد می‌آورد و مدام در پی شناسائی و دستگیری آنها هستند. خلخالسی در مصاحبه ای که چندین روز پیش از صدای جمهوری اسلامی بخش شد فرموده است: «برای آوردن خلق با عراق و مجاهدین خلق با عراقی ها یکسان اند و خونشان حلال است. او در بخشی از مصاحبه خود می‌گوید: «ما در سوختن و چند نفر را به جرم همکاری با دولت بعث عراق اعدام کردیم. ما ستون پنجم دشمن عبرتی گرفته با شکده ما کویجکترین گذشتگی نخواهیم کرد. حال آنکه می‌خواهد فدائی یا مجاهد یا خلقی عرب باشد.»

خلخالسی در این مصاحبه خود به کشفترین شیوه متوسل شده و سعی می‌کند فدائیان خلقی و مجاهدین خلقی را ستون پنجم دولت بعث عراق معرفی کند. آیا خلخالسی و امثال او از رژیم منفور شاه عبرت نگرفته اند؟ آیا سارا تمام، تمام دروغ‌پردازان رژیم مزدور شاه علیه نیروهای انقلابی که سعی می‌کند آنها را وابسته و مزدور بیگانه معرفی کند برای توده های زحمتکش افشا نشده که دولت جمهوری اسلامی هنوز هم به همان شیوه های کهنه شده متوسل می‌شود؟ اما هیئت حاکمه بهمین جا قناعت نکرده و علاوه بر دروغ و افترا علیه نیروهای انقلابی، مدام در پی

شناسائی و دستگیری آنهاست. روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ یکشنبه ۲۷ مهر ۵۹ از قول مسئول سپاه پاسداران خوزستان می‌گوید: «۱۹۰ نفر از جاسوسان که در میان آنها جبهه‌ها، تحریر خلقی عرب و همچنین سه خا نه جاسوسی و مزدوری متعلق به چریکهای فدائی خلق و گروه اشرف کشف شده که بیش از ۱۰ نفر از اعضای این سازمان دستگیر شده اند. در این خانه مقادیر زیادی اسلحه و مهمات و نارنجک نیز بدست آمده است. این مقام افزوده است: «پاسداران با تشکیل ستادهای مقاومت مردمی در مساجد و مدارس سعی و کوشش بی‌دریغی برای بازداشت و محدود کردن آنها مینمایند.» اکنون برای توده های زحمتکش میهن ما این سؤال پیش می‌آید که کجا می‌کند آزادی های دولت را باور کنند. توده های همیشه و در سخت ترین شرایط فدائیان خلق را در کنار خود دیده اند. در هر کجا که مبارزه توده ها در جریان است، فدائیان خلق در همانجا حضور

دارند و این امر بی اعتباری ادعای هیئت حاکمه را نشان می‌دهد. از سوی دیگر می‌بیند که دولت جمهوری اسلامی از هر فرصتی برای شناسائی و دستگیری انقلابیون کوتاه نمی‌کند، و حتی در مناطق جنگی ستادهای با صلاح مقاومت مردمی تشکیل می‌دهند، تا فدائیان و دیگر نیروهای انقلابی را بازداشت و محدود کنند. مسئله بقدر کافی روشن است. دولت جمهوری اسلامی از فعالیت مبارزه انقلابی بیم دارد، و همه جا در تعقیب آنهاست، تمام دروغ‌پردازان، افترا و تهمت علیه نیروهای انقلابی نیز در جهت این هدف دولت است. دولت جمهوری اسلامی بخوبی میداند که فدائیان خلق مدافعین پیگیر زحمتکشان و دشمنان آشتی ناپذیر سرمایه داران امپریالیست ها و تمام ضد انقلابیون هستند. آنها در خوزستان نیز در همان حال که پیگیرانه در مبارزه توده های مردم شرکت

می‌کنند، با آنها ما هیئت جنگ دولت های ایران و عراق را توضیح می‌دهند. بتوده های می‌گویند که این جنگ بهیچوجه در خدمت منافع توده ها نیست طبقات حاکم ایران و عراق این جنگ را برای فروختن و انداختن جنگ در خدمت منافع سرمایه داران دو کشور است. طبیعتی است که این سیاست که دقتی است در خدمت منافع توده ها است نمیتواند مورد تأیید دولت جمهوری اسلامی که از منافع سرمایه داران دفاع می‌کند باشد. بنا بر این تعجبی ندارد که دولت جمهوری اسلامی همچنان جمهوری اسلامی بر علیه نیروهای انقلابی بدروغ متوسل می‌شود، و آنها را بازداشت نماید. اما نیروهای انقلابی همچنان پیگیرانه به مبارزه خود ادامه می‌دهند، و ما هیئت تمام ادعای هیئت حاکمه را افشا می‌کنند.

رژیم جنایتکار عراق ماهیت ضد خلقی خود را عریان نمی‌کند

بقیه از صفحه ۱

می‌شود و با شدت یافتن جنگ، ارتش مزدور رژیم ضد خلقی عراق بر حملات دیوانه وار وسیعانه خود به شهرها و مراکز مسکونی توده های بی دفاع و زحمتکش میهن ما افزوده است. مدارس و کارخانه ها را بمباران می‌کند و شهرها را به موشک می‌پندد. دشمنی با توده های زحمتکش که خصوصیت بارز همه رژیم های سرمایه دار است در تمام عرصه ها خود را نشان می‌دهد و سرمایه داران

بمنظور دست یابی به مطامع غارتگرانه و اهداف جنایتکارانه خود از هیچ جنایتی فرو گذار نمی‌کنند. رژیم ضد خلقی عراق نیز همانند تمام رژیم های سرمایه داری در حالیکه در درون کشور خود توده های زحمتکش آن کشور را سرکوب می‌کند، در جنگ با دولت ایران نیز این سیاست جنایتکارانه خود را علیه توده های زحمتکش ایران ادامه می‌دهد و دست به بیشترین

جنایات ضد بشری میزند. رژیم های ضد خلقی برای زندگی توده های زحمتکش پیشیزی ارزش قائل نیستند برای آنها مهم نیست که چگونه کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان در زیر بمبارانها و حملات موشکی جان می‌بازند، آنچه برای آنها مهم است دست یابی به اهداف غارتگرانه و جنایتکارانه شان است. جنایات جنگ هر روز ابعاد تازه تری بخود می‌گیرد و توده های

زحمتکش ایران و عراقی قربانی سیاست های دولت های ایران و عراق می‌شوند. آنان که فریب داد میزند جنگ خوب است، اکنون چگونه میتوانند شمره این جنایات جنایتکارانه را برای مردم توضیح دهند؟ آیا جز اینست که این جنگ تنها و تنها در خدمت سرمایه داران ایران و عراق و امپریالیسم جهانی قرار دارد؟ سرمایه داران ایرانی که امروز در

مناطق جنگی در خانه های امن راحت و آسوده زندگی می‌کنند، کارگران را بیشتر استثمار می‌کنند و همانند زالو خون توده های مردم را می‌مکند. آری جنگ دولت های ایران و عراق برای سرمایه داران بسیار هم خوب است، اما نتیجه این جنگ برای توده ها چیزی جز فقر، نابودی، ویرانی، خانه خرابی و بی سرپرست شدن خانواده ها در بر ندارد.

استقلال - کار - مسکن - آزادی

سیاست های اقتصادی

بقیه از صفحه ۶

آنان را نسبت به کمونیستها دشمن می سازد - در قطعنامه اقتصاددی حزب جمهوری اسلامی به این مسئله اشاره می شود که "گروههای چپ ... تبلیغات مسموم آتش کینه و حسد ها را مشتعل و مردم را علیه یکدیگر تحریک می کنند ، ادارای را علیه بازاری و بازاری را علیه اداری و کارگزار علیه مدیران به کم کاری تشویق و مدیران را به بدبینی علیه کارگران ترغیب می کنند . دولت اسلامی باید بر اساس اصل "قومی و بشری" همراه با خدمت یکدیگر فراخوانده نام انگیزه سودجویی سرمایه دار بیهوده انگیزه خدمت در راه خدا را تبدیل شود و هم انگیزه کارگران بجای ضربه زدن به تولید از خدمت بمردم لذت برده و تشویق شود . و با متخلفین از این آهنگ انسانی و اسلامی با قاطعیت رفتار شود ." (مساده ۱۴ قطعنامه) .

آیا و قاحت از این بیشتر . بله ، گروههای چپ کارگران را در قیاب زه شان علیه سرمایه داری هدایت می کنند . کارگران کمونیست در کارخانه ها ، کمونیستها در میان زحمتکشان نوک تیز حملات خود را متوجه سرمایه داری و وابسته خواهند ساخت . ماده فوق نیازی به توضیح بیشتر ندارد . تنها آن نیروهائی که قادر به درک سیاست بورژوازی حاکم بر حزب جمهوری اسلامی نیستند باید درک کنند و به ما بگویند که این نمایندگان سرمایه داری وابسته چگونه از منافع سرمایه داری حمایت می کنند .

در ماده ۲ قطعنامه هنگامیکه از نظام قیمت گذاری سخن می رود تنها حضور "نمایندگان ارگانهای دولتی و صنفی مربوط" ضرور دانسته می شود . زهی بشری که حد اقل این نمایندگان بورژوازی در حرف از حضور مصرف کنندگان و زحمتکشان برای تعیین قیمت نامی بیان نمی آورند . ارگانهای دولتی و صنفی تشکیل شده تا ایشان فقط یک امتیاز به خریداران بدهند و نهم "عیار برای شکایت" می باشد و نه حق شکایت . زیرا چنانچه به زحمتکشان حق شکایت و حق اعتصاب بدهند ، آنان از این حق استفاده خواهند کرد تا در جهت محو سلطه سرمایه دار و تاجرو وابسته قدم بردارند . اما چه حزب جمهوری اسلامی و قانونهای کارکنانی و قانون اساسی ، حق اعتصاب و حق شکایت را بجز برای کارگران و زحمتکشان مجاز بدانند یا نه (کسه نمی دانند) . زحمتکشان میهن ما با بالاخره سلطه سرمایه داری و وابسته را از میان بر خواهند داشت .

حزب خواهان تشویق "اصناف به تشکیلات شرکتیهای تعاونی تهیه و توزیع" می باشد و از دولت خواهان "حمایتهای اعتباری و قانونی" از اینسان می باشد (ماده ۴) .

حزب توده و شرکاء حتما "قند در دلشان باید آب شود . یکی از اساسی ترین مضامین راه رشد غیر سرمایه داری در اینجانهفته است . اما در حقیقت تعاونی های تولید و توزیع نه تنها خواهان تغییر وجه تولید سرمایه داری نیستند بلکه نوعا "به آن کمک می کنند . تا زمانیکه یک انقلاب اجتماعی محقق نگردد این تعاونیها در یک جامعه سرمایه داری وابسته به مرکز استعمار تبدیل می شود . بخصوص اینکه حزب جمهوری اسلامی خواهان ایجاد تعاونی های تهیه و توزیع بوسیله اصناف و تجار می باشد . اگر تعاونی های مورد پیشهادی سیستمی و بیودن ، از یک زاویه دید خرده بورژوازی است که در نهایت به نفع بورژوازی ختم می شود ، تعاونی های مورد پیشهاد حزب جمهوری اسلامی باید بوسیله اصناف و تجار تشکیل گردند و اعتبارات بانکیهای

دولتی و سرمایه بزرگ نیز در حمایت آن باشد .

تجارت ، صادرات و واردات

باتوجه به سطح رشد سرمایه داری در ایران و مسلط شدن مناسبات تولیدی سرمایه داری و وابستگی سیستم اقتصادی به انحصارات امپریالیستی سرمایه سوداگر نمی تواند همچون دوران ماقبل سرمایه داری عمل کند .

سرمایه های تجاری امکان زیست مستقل را با توجه به رشد سرمایه داری و وابسته دارا نمی باشند و بصورت سرمایه متوسط و وابسته ، در مدار تولید و بازتولید حرکت سرمایه عمل می کنند . حزب جمهوری اسلامی به این امر خوب آگاه است که بدون وجود وابستگی نمی تواند به حیات خود ادامه دهد . از یکطرف از منافع حاکمیت بورژوازی ایران حمایت می کند و از سوی دیگر سعی بر آن دارد تا از کانال رشد بورژوازی تجاری ، به نمایندگی کل سیستم سرمایه داری و وابسته تبدیل شود .

در "سمینار بررسی مسائل اقتصادی و علل افزایش قیمتها" که بوسیله جناح چپ صدر برگزار شد ، کاظمی از دفتر هماهنگی مردم با ریاست جمهوری چنین اعلام داشت که "یکی از مسائلی که باعث استعمار کشورهای جهان سوم شده ، مسئله تجارت بوده است و اگر پیشه یابی کنیم ه ۷ درصد از مستکبرین تجار وارد کننده بوده اند" (انقلاب اسلامی ۵۹/۴/۱۲) .

در عین حالیکه جناح چپ صدر با راه و یارها به تجارت حمله کرده و با قطعنامه "سمینار انقلاب فرهنگی از تجار و وارد کنندگان حمایت کرده و سیاست شتر مرغی وزارت بازرگانی را به باد حمله می گیرد ، و اضافه می کند که "در صورت عدم حل مشکل تولید ، کالا از خارج سریع وارد شده و بازاریا اشباع شود ، اگر چه دولت در این مورد متضرر شود" (مساده ۱۲ قطعنامه) و "سیاست شتر مرغی وزارت بازرگانی باید به سیاست مسئولیت پذیری تبدیل شود و اگر بدلیل عدم تجربه یا مار غلط و یا علل دیگر نتوانست نیاز جامعه را تامین کند (چنانچه در مورد سیمان آهن ، خوراک دام و پارچه ...) گنا ما ترا به تاجرو کاسبی نسبت ندهد که غفال مردم گناه بزرگی است" (ماده ۱ قطعنامه) و در مقدمه قطعنامه آمده است که دولت برای "وارد کنندگان مشکل را پیچیده تر می نماید .

آقای کاظمی گناه را متوجه تاجران می دانسد در حالیکه حزب منکران مسئله است . اما هیچکدام ، نه حزب نه آقای کاظمی و نه بنی صدر و نوبوری (رجوع کنید به انقلاب اسلامی سه شنبه چهارشنبه ۳۱ تیر و اول مرداد ۵۹) در استعمار توده های زحمتکش اختلافی ندارند و بایکدیگر میثاق وحدت بسته اند .

حزب جمهوری و بخش خصوصی ، ملی کردن

ماده ۹ قطعنامه می گوید "هر جا وزارت بازرگانی بدلیل کمبود ، تولید داخلی تصمیم به ورود کالا می دارد و خود توانایی تهیه و عرضه تر ندارد و بسا اجازه به بخش خصوصی می خواهد که نیاز مصرف کنند برطرف گردد باید به بانکها و مراکز تعلیمات لازم را در ایجاد تسهیلات بدهد" و در ماده ۵ آمده است "وزارت بازرگانی که مسئول اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و در اختیار گرفتن بازرگانسی خارجی است باید توجه داشته باشد که قبل از تشکیل سازمانهای عریض و طویل باید سعی کند از سیستم طبیعی موجود و با هزینه بسیار کمتر استفاده کند که

با کنترل و راهنمایی و نظارت دقیق بهتر میتواند اصل مذکور را اجرا نماید . در حالیکه تا سیس یک سازمان دولتی جدید نمیتواند جایگزین سیستم طبیعی باشد .

... مکانیسم تجارت دولتی ... بر مبنای تشویرهای غلط است که معمولا "دولتیان دچار آن هستند و لای بخش خصوصی کمتر دچار آن میشود" (تاکید از ماست) .

سیستم طبیعی موجود همان سیستم وارد کردن کالا و اشباع بازار از کالاها و وارداتی است . بخش خصوصی نیز به زعم حزب باید این مهم را انجام دهد و اصل ۴۴ قانون اساسی باید کنترل و راهنمایی و نظارت دقیق را بر عهده گیرد .

نکته ای که در قبال به آن اشاره کردیم در اینجا بطور ملموس خود را نشان می دهد سرمایه تجاری ، بدلیل وابستگی و نفوذ گسترده بانکها ، مجبور است از سوی خود را در ارتباط با دولت و سرمایه های صنعتی که امروز عمده تا "دولتی هستند قرار داده و از سوی دیگر به تکیه نیز دست می زند . بدینگونه ارتباط انگلی خود را با سرمایه های وابسته نشان می دهد .

ملی کردن از نظر حزب ، بمعنای کنترل و نظارت و ایجاد تسهیلات از جانب دولت و بانک و گمرکات می باشد . حزب از ملی کردن ، دولتی کردن را نیز مدنظر قرار نمی دهد . برای حزب مسئله منافع بخش خصوصی مطرح است . آن بخش خصوصی که بدلیل وابستگی مالی و تکنیکی ، نمی تواند بدون ارتباط با سرمایه داری جهانی زیست کند . البته

در حزب جمهوری اسلامی افراد و عناصری یافت می شوند که به مسئله بگونه ای دیگر برخورد می کنند . برای نمونه آقای کاظم بجنوردی در سخنرانی خود در جلسه علنی مجلس در تاریخ ۵۹/۴/۱۲ مسائلی را مطرح کرد که کلاما با قطعنامه حزب در تضاد قرار داشت ، او گفت : "قانون ملی شدن بازرگانی این نیست که وزارت بازرگانی به بخش خصوصی بابه برخی از سرمایه داران اجازه بدهد که فلان کالا را وارد کند" و او خطاب به تجاری می گوید : "توبه انداز یکسال و نیم پس از انقلاب مردم را غارت کرده ای" اما سیاست حزب راه آقای بجنوردی و نه افراد و عناصری از این دست بلکه

زعمای حزب نظیر ، آیت ، بهشتی ، رفسنجانی و امثالهم تعیین می کنند . آقای کاظم بجنوردی و امثال او باین درک کرده باشند که سیاست حزب جمهوری اسلامی ، همانند دولت جمهوری اسلامی ، دفاع از بورژوازی متوسط است ، و نه از خرده تولید کننده . افراد و عناصر و یارچانیهای بسیار ضعیف خرده بورژوازی در حاکمیت ، در حزب جمهوری اسلامی ، در مجلس و غیره ، حتی اگر نیات حسنه نیز داشته باشند ، در شرایط موجود جز ائمه بورژوازی چیز دیگری نیستند . دوستان ایشان در بخش مصادره اموال بنیاد مستضعفان چه کردند ؟ همان جواب خودشان "هر کار که می کنیم ، بازمی بینیم پیشرفتی در کار نیست" .

(البته طبق اطلاعی که بدست آورده ایم گویا ، آقای بجنوردی نیز تا حدودی بواقعیات پی برده است و بتازگی از حزب جمهوری اسلامی کنسار رفته اند) .

نتیجه گیری

بررسی قطعنامه سمینار انقلاب فرهنگی بازار و سخنرانیهای رهبران حزب جمهوری اسلامی بوضوح هر چه متراکمتر ماهیت بورژوازی حزب جمهوری اسلامی را تأیید می کند و نشان می دهد که حزب جمهوری اسلامی در این مورد نیز همانند موارد دیگر از منافع بورژوازی متوسط دفاع می کند ، نه از منافع خرده بورژوازی .

جنگ وحیله‌های سرمایه‌داران

ایجاد پناهگاه مطمئن در کارخانه‌ها برای حفظ جان کارگران ضروری است

سرمایه‌داران زالوصفت با اتکا به حمایت دولت جمهوری اسلامی و با بهانه نگرانی مسالسه جنگ با عراق سعی دارند هر چه بیشتر شیرهای کارگران و زحمتکشان را بکنند و جیب‌های گشاد خود را پر نمایند. در این رابطه در کارخانه‌های مختلف نامیتوانند به حیله‌های متفاوتی متوسل میشوند که برخی از آنها چنین است:

۱- به بهانه جنگ، دفاع از اسلام و میهن و... بر شدت کار کارگران افزودن و فشار بسیاری بر آنها وارد می‌کنند و در بسیاری از کارخانه‌ها ساعات کار اضافه شده و سرمایه‌داران سعی دارند با فریب و تیرنگ کارگران را در روزهای تعطیل نیز به کارخانه بکشانند.

۲- در بسیاری از کارخانه‌ها و کارگاهها سرمایه‌داران به بهانه اینکه در اثر جنگ بانکها پول نمی‌دهند یا اینکه تمام سرما به در خطر است و امکان بمباران کارخانه هست و... از پرداخت دستمزد کارگران خودداری کرده‌اند. مقدار زیادی دستمزد ناچیز کارگران را برای کمک به جنگ کسر نموده‌اند (که معلوم نیست از کجا سردر بیاید). در بسیاری از کارخانه‌ها کارگاهها به بهانه کمبود جنگ‌زدگان و بیابودن گاز و... غذای کارگران قطع شده و حتی پول آنرا نیز نمی‌دهند.

۳- سرمایه‌داران با توسل به خطر جنگ، "در خطر بودن سرمایه و کارخانه‌ها و اینکه دیگر تولید کنند صرف نمی‌کند" کارگران را در وحشت دائمی از بیکاری گه می‌دارند و از این طریق سعی دارند هرگونه اعتراض، کوشش در جهت احقاق حق و هر حرکت مبارزه‌جویانه را در نقطه خفه سازند. ۴- تجار با زبالا استفاده از موقعیت جنگی یا احتکار، ایجاد بازار سیاه و گرانفروشی، پرداخته‌اند و از این طریق مقدار

زیادی از دستمزد ناچیز کارگران و زحمتکشان را به جیب می‌زنند. کارگران و زحمتکشان در مدت کوتاهی که از جنگ ولت‌ها میگردند بخوبی مصائب و سختی‌های آنرا با گوشت و پوست خود لمس نموده‌اند. این توده‌های زحمتکش اند که مجبورند بار مخارج جنگ و خرابی‌های آنرا بر دوش خود تحمل کنند. فشار کار و تولید افزایش یافته گران‌تر و کم‌بایی اجناس پیدا می‌کند. مالیاتها سنگین‌تر می‌شود. پول ارزش خود را از دست داده و مقطوع برق و آب بر مشکلات زندگی افزودند. فرار سیدن سرما و کمبود نفت زحمتکشان بی‌سرنساز را تحت فشار قرار داده و... تمامی این فشارها بر دوش اقشار و طبقات زحمتکش و فقیر جامعه است. سرمایه‌داران و زمینداران مفتخور و افسار مرفه جامعه تنها تمامی اجناس را نهم از بهترین نوع بهره‌گرفته شده تهیه می‌کنند. با خرید و سائل گران قیمتتی چون مولد برق خانگی هموار از برق برخوردارند. با دادن رشوه و پول اضافی تمامی سوخت مورد نیاز خود را تأمین می‌کنند. در خانه‌های گرم و نرم خود زندگی راحت و آسوده‌ای را می‌گذرانند، بلکه زشرایط جنگی برای غارت، استثمار و چپاول هر چه بیشتر زحمتکشان نیز سود می‌برند و جیب‌های گشاد خود را پر پول ترمی‌کنند.

تعمای رفا، هم‌واداران و کارگران و زحمتکشان مبارز و آگاه و وظیفه‌دارند در هر کجا و به هر وسیله در عین توضیح مصائب و مشکلات ایجاد شده توسط جنگ ارتجاعی دولت‌های ایران و عراق حیله‌ها و تیرنگ‌های سرمایه‌داران در راه استثمار و چپاول هر چه بیشتر زحمتکشان و حمایت و چشم‌پوشی دولت جمهوری اسلامی در این مورد را افشاء نمود و برای کارگران و زحمتکشان توضیح

دهند. * *

روشن می‌کند که چگونه سرمایه‌داران زالوصفت می‌خواهند برای افزایش سود خود کارگران را حتی در زیر بمباران و حملات هوایی به تولید وادارند و در این راه جان زحمتکشان برای آنها کوچکترین ارزشی ندارد. شاهد بوده‌ایم که بخاطر طمع و حرص و آز سرمایه‌دار چگونه کارگران و زحمتکشان جان خود را در کارگاهها و کارخانه‌ها از دست داده‌اند. سرمایه‌داران برای کسب سود هر چه بیشتر از تا مین حد اقل وسایل ایمنی برای کارخانجات شانه‌خالی می‌کنند. همچنین ما بعد از شدت جنگ دولتهای ایران و عراق بارها و بارها حیله‌ها و تیرنگ‌های راکه سرمایه‌داران توسط آن سعی دارند به بهانه جنگ بر دوش ما سود خود بیفزایند ذکر کرده‌ایم و گفته‌ایم که چگونه جنگ به نفع برای پر شدن جیب این مفتخوران و استثمار و چپاول هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان است و چگونه در این راه دولت جمهوری اسلامی نیز با تمامی قوا و سرمایه‌داران حمایت می‌نماید. یکی از بیشترین و کثیف‌ترین این حیله‌ها را در مطلبی تحت عنوان "ستون پنجم چیست در روزنامه جمهوری اسلامی، ارگان حزب جمهوری اسلامی ایران (۵شنبه آبان) می‌بینیم. مقاله به صراحت

صنعتی، کارگران بسیاری جان خود را از دست داده‌اند. نمونه‌های بسیاری که در کارخانه‌های چون فولاد نورد ایران ناسیونال، صنایع هواپیمائی و هلی‌کوپتر سازی کارگران بر اثر بمباران جان خود را از دست داده‌اند شاهد این مدعا است. این مساله بخاطر آنست که سرمایه‌داران بجای ایجاد پناهگاههای مطمئن و مستحکم برای کارگران که در مواقع حملات هوایی بتوانند جان آنها را حفظ کنند حتی در هنگام بمباران نیز آنرا به تولید وادارند تا هر چه بیشتر جیب خود را پر نمایند. ما باید با توضیح کافی حیله‌های سرمایه‌دار به تمامی همکاران و هم‌زنجیران خود و با نیروی اتحاد و یکپارچگی کار فرما و سرما به مدار را وادار کنیم تا وسایل ایمنی لازم را برای کارخانه‌ها تهیه کنند. مخصوص در موقعیت فعلی باید با مبارزه سرمایه‌داران را وادار کنیم تا کارخانجات را به پناهگاه‌های ایمنی مجهز کنند. تهیه و تدارک تمامی وسایل ایمنی و خاصه پناهگاهها باید تحت نظارت کامل نمایندگان واقعی کارگران انجام گیرد تا سرمایه‌داران نتوانند جان کارگران را به بهای سود بیشتر بخطر بیندازند. هر کارخانه‌ای باید به یک پناهگاه مطمئن مجهز شود. * * *

کارگران و زحمتکش مبارز!

در حالیکه سرمایه‌داران با استفاده از موقعیت جنگ بر اثر بالا بردن تولید و استثمار، احتکار، گرانفروشی و حیله‌های دیگر هر روز جیب گشاد خود را پرتر می‌کنند، در اثر حملات هوایی و بمباران مراکز صنعتی جان انبوهی از کارگران زحمتکش میهن مادر در خطر است. با اتحاد و مبارزه خود سرمایه‌دار را وادار کنیم تحت نظارت و کنترل نمایندگان واقعی کارگران کارخانه‌ها و وسایل ایمنی لازم مجهز کنند. هر کارخانه باید به یک پناهگاه مطمئن مجهز شود.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

باتکاء به نیروی توده‌ها برای صلح دمگراتیک در کردستان بکوشیم

چهره واقعی مدعیان عدل اسلامی

روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۲ مهر ۵۹ اطلاعیه شماره ۷ ستاد امنیت کردستان را به این شرح چاپ کرده است: اغلب درگیریهای شبانه سنج در محله قازمان بوقوع پیوسته و این امر به علت عدم همکاری عدای از سکنه این محله با ماوریین نظامی و همچنین وابستگی و مساعدت مردم این منطقه با ضد انقلاب است. لذا اخطار به کسانی که در شناسائی افراد مسلح و ضد مردمی همکاری نداشته و یا میادرت به اخطای مهاجمین می نمایند برای اولین بار تا اطلاع ثانوی اوراق عمومی و ما محتاج آن قطع در صورت تکرار چنین مواردی تصمیمات شدیدتری در مورد آن اتخاذ خواهد شد.

اعلامیه خود به حد کافی گویا و نشان دهنده چهره واقعی مدعیان عدل اسلامی و حامیان دروغین مستضعفین است و نیز از ددمنشی و بی شرمی صادر کنندگان آن حکایت می کند.

هر چند این وحشیگریها در باره خلق کردتازگی ندارد و خلق کرد می دانند که با او چگونه رفتار میشود. میدانند که کودک شیرخوار و پیر مرد زمین گیر، پیر

و جوان زن و مرد برای فانتوم های حکومتی فرقی ندارد و هر شهر و روستای کردستان هدفی است برای هواپیماها و خمپاره اندازها و هر جنبنده ای در کردستان هدفی است برای گلوله تفنگها.

خلق کرد میدانند حکومت در برخورد با آنها هیچ حدومرز نمی شناسد و به هیچ قاعده ای پایبند نیست. زحمتکش کردستان "مردوردم" است "کافر حریبی" است "پس همه چیز بر او رواست."

خلق کرد میدانند که اکنون مدتهاست که کردستان در محاصره اقتصادی است و غذا و دارو آنه بر یک محله بلکه بر تمام کردستان بسته اند.

اما سؤال این است اینان چگونه چنین جراتی یافته اند که اعلامیه بدهند که یا بسا ماهمکاری کنید یا شمارا، شمارا از کوچک و بزرگ از گرسنگی هلاک خواهیم کرد. گویا اینان فراموش کرده اند که همین چند وقت پیش بود که خودشان بدروغ فریاد و فغان سر داده بودند که ای بی خلقی ها آب و غذا را بر روی پاسداران ما بسته اند با دشان رفته که برای تحریک احساسات مردم چگونه مظلوم نمائی در

آوردند و گریبان جاک میدادند که ای داد و پیداد این کردها قواعد جنگ را رعایت نمی کنند و بسا هم قاتل را در محاصره اقتصادی قرار میدهند. بخاطر نمی آورند که در این باره چه دروغ ها بافتند و بر اساس آن چه ناسازگاریها که منتظران زحمتکش کرد و نیرو وهنای آنقلابی نکردند، حال چه شده که اینگونه و به یکبار ه پرده حیای دروغین خویش را می درند و در کمال وقاحت اعلامیه رسمی میدهند که ما آنچنان قدر تمذیب که نان و آب مردم را قطع می کنیم بر راستی که تاکنون جنگ دولت های ایران و عراق هر قدر برای زحمتکشان دو کشور بد بوده برای شما این فایده را نداشته است که در رینا هیاهوی جنگ بردت سرکوب خلق کرد بیافزائید و بخیال خام خود می خواهید از آب گل آلود ماهی بگیرید و در حالی که ارتش عراق بر سر زحمتکشان میهن مان خمپاره و بمب می ریزد شما هم فانتوم ها بیتان را بر سر شهرهای کردستان می فرستید.

و چون سرو صدای جنگ بسیار است دیگر شما احتیاجی به شهید نمائی و گرفتن قیافه

حق بجانب نمی بینید و برخلاف گذشته که آنچه را که میکردید به گردن دیگران می انداختید و آنچه لایق خودتان بود به نیرو های انقلابی نسبت میدادید مسائل را وارونه جلوه داد و در نوشته ها و گفته های خود بسا ردیف کردن کلماتی که اثری در حد اعلامی تحریک دار نبود می کوشیدید عصبیت و هیجان در خواننده و شنونده پدید آورید و البته در این کار بدروغ و داستان دستما به همیشگی کارتان بود.

اما امروز برخلاف عادت معهود این نوشته تان تاحدی شباهت به کاری دار دکمه می کنید، چه افسانه ها که از استقبال گرم اهالی از نیروهای نجات بخش نگفتید. اما امروز خودتان می گوئید مردم با شما همکاری نمی کنند که هیچ بلکه بانیرو های "ضدمردمی" همکاری می کنند و برای اینکه آنها تنبیه بشوند و با نیروهای سردمی یعنی شما همکاری نکنند اوراق عمومی و ما محتاج مردم قطع خواهد شد.

کار شما به اینجا کشیده است خدا یاد ابد مشاطه گران و مداحان حکومت بر سر لاد با پورت نویسند

های یا منبری خوان حکومت می دانند که محله قازمان یکی از مناطق زحمتکش نشین سنج است چه شده که حکومت مترقی و خلقی و حامی مستضعفین (و هر صفت پسندیده دیگری که بلد هستید) یا مردم این محله چنین می کند آنهم در این شرارتش عراق دانا بر سر زحمتکشان میهن آتش می بارد. پاسخ را به زحمتکشان سنج بدهید.

اگر امروز حکومت گوشه ای از آنچه که در کردستان انجام داده بیان می کند و چنین لحنی در اعلامیه بکار میگرداند گویا واقعیتی بس مهم تر نیز هست و آن اینکه زحمتکشان با مبارزه خویش حکومت را در شرایطی قرار داده اند که دیگر حتی ظاهر فریبی بدر دشمنی خورد و جز زبان تهدید ادا شکار زبان دیگری بکارش نمی آید.

اما حکومت باید بداند که قطع نان و آب و نه بمباران مداوم شهرها و نه قتل عام اهالی کردستان نمی تواند و نخواهد توانست سردار ابروی نهائی زحمتکشان گردد

توطئه عوامل کارفرما در کارخانه تکنواجر علیه کارگران

پس از آغاز جنگ اخیر که به نفع زحمتکشان هیچیک از دو کشور نیست، سرمایه داران فرصت مناسبی یافتند تا به بهانه های گوناگون چپاول کارگران را افزایش دهند. که از جمله کارخانه تکنواجر می توان نام برد. در این کارخانه در روز های اول مهر ماه یعنی بلافاصله پس از آغاز جنگ از طرف مدیریت اعلام می شود که به علت نداشتن بودجه، کمی تولید و شرایط جنگی موجود قادر به پرداخت کل حقوق کارگران نخواهد بود و کارگران باید در ازای هشت ساعت کار فقط عساعت حقوق دریافت نمایند!

البته استناد مدیریت به سخنان "امام خمینی" در زمینه خودکفائی و استقلال که بعنوان پشتوانه کلاش قرار گرفته بود لازم به بازگویی نیست - این مسئله با اعتراض کارگران روبرو می شود. کارفرما که از عملی

کردن تصمیم خود عاجز می گردد زیرا که در مقابل اعتراضها به ما نورپرداخته و این امر را به بعد موکول می کند.

اما او دست بردار نبود. بهر حال باید از این شرایط استفاده می کرد و علاوه بر جلوگیری از ضررهای احتمالی بفرسود بیشتر نیز می برد. لذا مسئله شیفت کار را مطرح می کند. او به بهانه اینکه عصرها برق قطع می شود (واستناد به دو سه روز اولی که اینطور می شد) می گوید باید شیفت کار عصرها تغییر نماید. وی که در رابطه با اخبار به خدمت نیروهای ذخیره ناچار به ترک کارخانه بود، قبل از رفتن با بخشی از کارگران بطور شفاهی قرار می گذارد که دو شیفت کار کارگران یکی از ساعت عصر تا ۱۴/۵ و دیگری از ۱۸/۵ صبح تا ساعت ۱۸ باشد. روز شنبه ۸ مهر ماه کارگران مطابق شیفت معمول محل کار

خود را ترک می کنند. و از آنجا که صحبت های فوق بطور رسمی و کتبی نبود به آن بهایی نمی دهند. اما عوامل کارفرما که از قبل در میان کارمندان مستقر شده بودند، به جنسب و احوش می افتند. آنها با جمع کردن عده ای دیگر از کارمندان ابتدا سعی می کنند مانع خروج کارگران شوند. اما چون موفق نمی شوند خود عوامفریبا به سالن کارگری رفته و دست و پا شکسته ۲ ساعتی تولید را ادامه میدهند. آنها با خود شیرینی زیاد دست به تهیه صورتجلسه ای بر علیه کارگران می زنند. و بدین ترتیب شکایات خود را بدرگاه حایان خود، پاسداران ستاد عملیاتی بعثت ارائه می دهند. آنها گفته بودند که کارگران درک نمی کنند که در این شرایط باید تولید را با لایبریسیم! و خواستار این شده بود ندکسه "محرکین" درون آن توسط مسئولین شناخته شود سنگسار شوند! بلکه عوامل کارفرما با تمام سرسپردگی خود این نکته را درست تشخیص داده بودند: که کارگران عملیاتی بیندکسه

جنگ برای آنها جز فشار بیشتر و بدبختی هیچ چیز ندارد. آن ها امروز این را نیز درک خواهند کرد، همچنانکه در شروع جنگ هیچ نقشی نداشتند در هدایت و خاتمه آن نیز نمی توانستند دخالت داشته باشند.

عوامل کارفرما همچنان لیستی از کارگران تهیه نمود به بهانه گها می کارخانه را از می دهند تا از فردا مانع ورود این کارگران گردند. و بایستی شرمی یکی از کارگران جدید الاستخدام را رسماً اخراج می نمایند.

صبح ۴شنبه ۹ مهر ماه کارگران سرکار خود حاضر می شوند وقتی از اخراج یکی از همکاران و ممنوع ورود شدن تعدادی دیگر مطلع می گردند، کار را شروع نمی کنند آنها با اتحاد و یکپارچگی خود می خواهند بازگشت کارگران می شوند و بد رستی برای این نکته تاکید می نمایند که "تا آنها نیابند کار را شروع نخواهیم کرد." عوامل کارفرما تاب مقاومت نمی آورند. عقب نشینی کرد و کارگران اخراجی به ا گوش همکاران خود بساز می گردند و کارگران یکبار دیگر

طعم پیروزی را که در اثر اتحاد شان بدست آمده بود می چشند. در مورد شیفت کار نیز با لایحه با حضور پاسداران مسلح، عوامل کارفرما و کارگران قرار دادی بسته می شود که بعد از این اجرا شود. لازم است گفته شود تصمیمی که در این جلسه با حضور نیروهای مسلح گرفته می شود، همان خواستی بود که کارفرما از ابتدا مطرح کرده بود نکته مهمی که در رابطه با این واقعه بعنوان یک ضعف عمده به چشم میخورد، عدم حضور یک شورای فعال و واقعی در رابطه با مسائل مطرحه برای کارگران می باشد. شورای این کارخانه که در زیر فشارهای مدیریت و دفتر کارخانه عملاً به انحلال کشیده شده است هر چه زود تر باید تشکیل گردد. کارگران با تشکیل مجمع عمومی و انتخاب مجدد برای تعیین نمایندگان واقعی خود اساسی ترین نقش را در ایجاد این شورا ایفا خواهند کرد. تشکیل این شورا بهترین راه مقابله با تمام توطئه ها است که بر علیه کارگران طرح می شود.

۴ ساعت کار در هفته خواسته همه کارگران است



● مبارزه پیروزمندان ششروزای دهقانی روستای یوسف آباد امشب

روستای یوسف آباد ارتوابع بخش "املش" شهرستان رودسر در دامنه کوههای سرسبز پوشیده از چای قرار گرفته است. در این روستا بیست خانوار (۲۵) سکونت دارند که زندگیشان را از راه تولید چای، برنج و مرکبات (پرتقال) میگذراند. این روستا از حداقل امکانات بی بهره بود، اما اهالی آن با اتحاد و همبستگی توانستند بزرگ منطقه ای به روستا بیاورند. زحمتکشان این روستا همچین با ایجاد شورای انقلابی ده توانستند اولین

حرکت انقلابی خود را به تمریر رسانند و آن مصادره چاه آرتزین ارزشمندی بود که متعلق به شخص سرمایه داری به نام "مهندس شمس الدین غروی" املشی عضو حزب "ملت ایران" بود که ده ها هزار تومان ارزش دارد که در حقیقت از خون روستاییان زحمتکش ساخته شده بود. سرمایه دار مزبور که

هر ساله با فروش آب به روستا قیان زحمتکش برای مشروط کردن مزارع، چندین هزار تومان بدست می آورد، به هر نیرنگی متوسل شد و عوامل حکومتی را کمک طلبید تا چاه را دوباره از دست روستا قیان خارج کند اما از آنجا که زحمتکشان روستا متحد شده و به حمایت از شورای خوبش برخاسته

بودند، شورا نه تنها توانست دست سرمایه دار و عوامل حکومتی را کوتاه کند، بلکه با فشار به بخشداری املش آنرا وادار کرد تا شورا را به رسمیت بشناسد. از اقدامات دیگر این شورای روستایی دریافت سهمیه سیگار از دخانیات رودسر و توزیع آن بین روستا قیان و درخواست

ترمیم و بازسازی راه روستا و دریافت پول از بخشداری و مردم بابت مرمت جاده و رفع دیگر نیازهای روستا بوده است. زحمتکشان آزاده - یوسف آباد اکنون دریافته اند که تنها با اتحاد و همبستگی می توانند حقوق خویش را بدست آورند. آن ها در عمل و به تجربه دریافته اند که با تشکیل شورای واقعی می توانند در مقابل ستم و اجحاف سرمایه داران و ملاکین انگل و مفتخوار با ایستادگی پیروز شوند.

بقیه از صفحه ۱

گرامی باد ۱۳ آبان

سه روز مبارزات قهرمانانه دانش آموزان ایران

رژیم دیکتاتور شاه ایفا کردند. آنها با شور و تحرک فوق العاده شان به خیابانها ریختند، در تظاهرات و راهپیمایی های عظیم مردم شرکت کردند، با سنگ، چوب ککتنل مولوتوف و هر آنچه بدستان می رسید به مقابل با ارتش و دیگر نیروهای مسلح رژیم برخاستند در شرایطی که حکومت نظامی در شهرها برقرار بود عملیات و راههای مسلح را فلج ساختند. نیروی عظیم پرشور و تحرک دانش آموزان برای برکناری رژیم راستو آورده و نتوان ساختن بود.

نقشی که دانش آموزان در قیام با ساختن بارها گداها در خیابانها، حمله به مراکز جو و رستم رژیم دیکتاتور شاه و... ایفا کردند از نمونه های کبلی نظیری بود که در قیامهای توده ای رخ داده است.

توده های دانش آموز با شور و شوقی بی مانند در قیام و سرنگونی رژیم دیکتاتور شاه شرکت کردند به امید آنکه پس از سرنگونی آن به خواستهای برحق خویش دست یابند. آنها می پنداشتند که کمیته ای که پس از سرنگونی رژیم دیکتاتور شاه بر سر مسند قدرت می نشیند، در جهت یا سخگوشی به خواستهای واقعی و رفع هر گونه ستم و محواستثمار گام برخواهد داشت. اما امروز پس از گذشت متجاوز از یکسال و نیم از قیام به عینه مشاهده می کنند که حاکمیت کنونی نه تنها در جهت تحقق خواسته های اساسی توده ها اقدام می نکرده، بلکه دستاوردهای آنان را که در قیام کسب نموده بودند مورد بیورش و تهاجم قرار گرفته است. با ایجاد شوراهای واقعی دانش آموزان مخالفت می شود، فعالیت سیاسی در مدارس ممنوع اعلام میگردد، معلمان مترقی و انقلابی به بهانه های مختلف اخراج می گردند، دانش آموزانی که در صفوف مستقل ورزش می کنند مورد تهاجم قرار گرفته و اخراج میشوند، از متشکل شدن دانش

آموزان انقلابی اخراج می گردند. دانش آموزان کرد در کردستان در نتیجه تهاجم و سرکوب ارتش و پاسداران به خاک و خون کشیده میشوند مدارس در کردستان و لرستان تعطیل شده و دانش آموزان از تحصیل محروم گشته اند. اکنون متجاوز از یکماه است با جنگ خانمان براندازی که توسط دولت های ایران و عراق به زحمتکشان ایران و عراق تحمیل شده است، دانش آموزان در غرب و جنوب کشور از خانه و گاشنه خود و آره گشته و زیر بمباران قرار گرفته اند.

جنگ غیر عادلانه و ارتجاعی بین دولت های ایران و عراق، زحمتکشان را با مشکلات و مصائب فراوانی روبرو ساخته است. کمبود رزاق عمومی کمبود نفت و بنزین، خاموشی های شبانه، بمباران های هواپیما، بی خانمان شدن بسیاری از توده های زحمتکش در مناطق جنگ زده، کشته شدن توده های مردم و غیره... همگی ثمرات مشتت با رنج تحمیلی کنونی به خلق های زحمتکش میهن مان می باشد.

حاکمیت که خود را مدافع منافع زحمتکشان وانمود می سازد، درست در لحظاتی که این جنگ خانمان سوز جریان دارد، خلق کرد را بمباران کرده و توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی سرکوب می کند، نیروهای انقلابی را دستگیر می نماید، نشریات انقلابی را توقیف می کند، حقوق دمکراتیک توده های مردم را با بمباران می سازد جو اختناق و خوفناک را تشدید می کند و از هر گونه ابتکار انقلابی توده ها مانع بعمل می آید.

حتی در مناطق جنگ زده نیز حاکمیت از حرکت مستقل توده های مردم و نیروهای انقلابی و مقاومت مسلحانه آنان جلوگیری می کند، توده های مردم را خلق سلاح می کند و به پشت پرده از انحصارات امپریالیستی سلاح و تجهیزات نظامی می بخرد، ارتش ضد خلقی را تقویت می کند و بدین ترتیب

به منافع زحمتکشان خیانت می ورزد. دانش آموزان مبارز میهن مان که سیاست های ضد انقلابی و ضد دمکراتیک هیئت حاکمه را با گوشت و پوست خود لمس کرده اند به مبارزه با این سیاستها برخاسته اند. آنها بخوبی نشان دادند که نه تنها علیه رژیم دیکتاتور شاه مبارزه کرده و قهرمانانینها، آفریده اند بلکه علیه هر حکومتی که منافع زحمتکشان را با بمباران سازد مبارزه خواهد کرد.

دانش آموزان مبارز میهن مان هم اکنون برای حفظ دستاوردهای قیام و تعمیق و گسترش جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک خلق های ایران فعالانه و پیگیر مبارزه می کنند آنها:

- از شوراهای واقعی و آزادی فعالیت های سیاسی در مدارس دفاع می کنند.
- اخراج معلمان و دانش آموزان - انقلابی را از مدارس محکوم می کنند.
- ایجاد و اختناق توسط انجمن های اسلامی را در مدارس افشا می کنند.
- از مبارزات بحق کارگران، دهقانان و زحمتکشان میهن مان، از مبارزات خلق کرد، ترکمن و... دفاع می کنند.
- ماهیت ارتجاعی جنگ بین دولت های ایران و عراق را برای توده ها توضیح می دهند.
- بر لزوم مقاومت مسلحانه مستقل توده ها در مناطق جنگ زده تاکید می ورزند.
- جهت کمک رسانی به مجروحین و مصدومین و توده های مناطق جنگ در کمیته های مختلفی که بطور مستقل بدین منظور تشکیل می گردد شرکت می کنند.
- برای مقابله با مشکلات و مصائب ناشی از جنگ توده های مردم را در کمیته های مختلف محلی سازماندهی می کنند.
- اتحاد عمل نیروهای انقلابی را گسترش می دهند.

جنگ کنونی و مسئله...

بقیه از صفحه ۱

خلع سلاح توده‌ها در هنگام جنگ

کند، نمی‌توانست در شرایط مسلح باقی ماندن توده‌ها برنامه‌های شوم خود را عملی سازد.

بهر حال تمام دشمنان خلق هر یک بگونه‌ای از همان فردای قیام در جهت اجرای برنامه‌های خائنه و ضد خلقی خود گام نخست را خلع سلاح توده‌ها دانسته و با تمام نیرو در جهت عملی کردن آن گام برداشته‌اند، این سیاست هم‌چنان ادامه می‌گیرد، چه معنای جز اعمال سیاستهای ضد انقلابی در جهت خلع سلاح توده‌های زحمتکش میتوانند داشته باشد.

خلع سلاح توده‌های سیاسی است که دولت جمهوری اسلامی از همان فردای قیام در پییش گرفت و امروز نیز در بحبوحه جنگ این سیاست را ادامه می‌دهد.

پس از قیام جناحهای مختلف هیئت‌ها که به یکدیگر به سازش و توافق دست یافته بودند، همه چیز را تمام شده اعلام نموده و از مردم خواستند که بخانه‌های خود باز گردند و سلاحهای خود را تحویل دهند.

نمایندگان سرمایه داران در حکومت جمهوری اسلامی که بخوبی آگاه بودند بدون خلع سلاح توده‌ها نمی‌توانند وظیفه خدمتگزارانه سرمایه داران ایران را مبریا لیسمن‌ها را انجام دهند. پیگیران شاعر خلع سلاح را مطرح کردند.

دولت با زرگان که در پی بندوبست با امپریالیسم آمریکا و دفاع از منافع سرمایه داران و بازاری سیستم سرمایه داری وابسته بودند نمی‌توانست در شرایطی که توده‌ها مسلح هستند، مقاصد خود را خائنه‌وار عملی کند.

ارتش ضد خلقی که در پی توطئه علیه خلق بود و تلاش می‌کرد که با استفاده از شرایط مناسب با یک کودتای نظامی تمام می‌دست آورده‌های قیام خونین خلق را نابود

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی با آغاز جنگ طی اطلاعیه‌ای از مردم خواست که سلاحها و تجهیزات را که توده‌ها بهنگام قیام علیه رژیم مزدور شاه بدست آورده‌اند به ارتش تحویل دهند.

صدور این اطلاعیه در بحبوحه جنگ و در شرایطی که ارتش جنا بیکار رژیم عراق انواع و اقسام سلاحها را علیه توده‌های بیدفاع میهن ما بکار می‌گیرد، چه معنای جز اعمال سیاستهای ضد انقلابی در جهت خلع سلاح توده‌های زحمتکش میتوانند داشته باشد.

خلع سلاح توده‌های سیاسی است که دولت جمهوری اسلامی از همان فردای قیام در پییش گرفت و امروز نیز در بحبوحه جنگ این سیاست را ادامه می‌دهد.

پس از قیام جناحهای مختلف هیئت‌ها که به یکدیگر به سازش و توافق دست یافته بودند، همه چیز را تمام شده اعلام نموده و از مردم خواستند که بخانه‌های خود باز گردند و سلاحهای خود را تحویل دهند.

نمایندگان سرمایه داران در حکومت جمهوری اسلامی که بخوبی آگاه بودند بدون خلع سلاح توده‌ها نمی‌توانند وظیفه خدمتگزارانه سرمایه داران ایران را مبریا لیسمن‌ها را انجام دهند. پیگیران شاعر خلع سلاح را مطرح کردند.

دولت با زرگان که در پی بندوبست با امپریالیسم آمریکا و دفاع از منافع سرمایه داران و بازاری سیستم سرمایه داری وابسته بودند نمی‌توانست در شرایطی که توده‌ها مسلح هستند، مقاصد خود را خائنه‌وار عملی کند.

ارتش ضد خلقی که در پی توطئه علیه خلق بود و تلاش می‌کرد که با استفاده از شرایط مناسب با یک کودتای نظامی تمام می‌دست آورده‌های قیام خونین خلق را نابود

چهار قبل از جنگ پلگردانای همین جنگ توسط ارتش و سایر نیروهای مسلح رژیم جمهوری اسلامی جهت سرکوب خلق کرد و ترکن و توده‌های زحمتکش میهنمان بکار گرفته شده است و در آینده نیز پس از خاتمه یافتن جنگ در خدمت همین اهداف ضد انقلابی بکار گرفته خواهد شد.

حتی رژیم جمهوری اسلامی قبل از جنگ نیز با توجه به اهداف مختلف نظیر " مبارزه با ضد انقلاب " به بازسازی و تجهیز ارتش می‌پرداخت و فقط جنگ کنونی فرصت مناسبی بود تا آشکارا این سیاست‌ها بی‌پرده و عیان و با شدت پیرامون بیشتری به پیش برده شود. روشن است که این تجهیزات چگونه و از کجا تامین خواهد گردید و در این رابطه روابط امپریالیستی سرازیر خواهد شد. تصویب نامه دست‌و‌پا‌زدگی و فرماندهان ارتش را در خرید تجهیزات نظامی بازگذاشته و تصریح می‌کند.

" ماده ۳ - وزارت دفاع ملی و ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی و فرماندهان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مجاز به نگهداری ارزهای خارجی در یکی از ادارات آنها می‌باشند که مناسبت تشخیص می‌دهند می‌باشد. تشخیص میزان ارز مورد نیاز با مقامات مذکور در بالا می‌باشد.

مسلم است این ارزها که " تشخیص میزان مورد نیاز " آن نیز با وزارت دفاع ملی، ستاد مشترک و فرماندهان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی است. بنا به تشخیص آنها به جیب انحصارات امپریالیستی امریکائی و اروپائی روانه خواهد شد. و قراردادهای اسارت با رتبه‌های مردم میهن ما تحویل خواهد گردید و با این جنگ به انحاء مختلف پرورش زحمتکش میهن قرار خواهد گرفت.

تصویب نامه هیئت وزیران در باره اعتبارات جنگی که هدفی جز تقویت ارتش ضد خلقی و سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را در بر ندارد، گامی است دیگر در جهت تقویت ارتجاعی‌ترین محافل و تحکیم نیروهای مسلح برای سرکوب توده‌های زحمتکش میهنمان.

همان‌قدر که این وظیفه با افشاء اهداف ضد انقلابی این تصویب نامه متایج نرابرای توده‌ها توضیح دهند.

اهداف ضد انقلابی حکومت را از تخصیص اعتبارات هنگفت برای جنگ افشاء می‌کنند.

جنگ بین دولتهای ایران و عراق نیز فرصت گرانبهائی بود برای هیئت حاکمه جهت تقویت همه‌جانبه ارتش، تحکیم موقعیت آن و صرف بودجه‌های هنگفت برای تجهیز کردن آن با سلاحهای مدرن.

جنگاً چنان شرایطی را بوجود آورد که حتی اختلافات و رقابتهای دو جناح اصلی حاکمیت در ایران یعنی لیبرالها و سران حزب جمهوری اسلامی بر سر کسب قدرت برتر در ارگادهای دولتی تحت الشعاع قرار گرفت و علیرغم اختلافات شان، هر دو جناح به تقویت ارتش همت گماشتند.

زمان مداران جمهوری اسلامی امروز تلاش می‌کنند ارتش را که قبل و بعد از قیام همواره توده‌های زحمتکش میهنمان را سرکوب کرده است، ۱۷ شهر یورها را آفریده است، خلق کرد و ترکن را به خاک و خون کشیده است، فاجعه‌های نظیر دهکده قارنار را بوجود آورده است، ناجی ملت و مدافع حقوق زحمتکشان و نمود سازند.

پس از آغاز جنگ، کودتای چپانی که دستگیر و زندانی شده بودند، آزاد شده بر سر پست‌های سابق خود بازگشتند. بسیاری از فرماندهان مزدوری که پس از قیام باز نشسته شده بودند به خدمت فراخوانده شدند و موضع ارتجاعی‌ترین عناصر در ارتش بیش از پیش تقویت گردید. و اخیراً " نیز هیئت وزیران با تصویب نامه جدیدی، اعتبارات لازم را جهت تجهیز کامل ارتش و نیروهای مسلح در اختیار روز پر دفاع و فرماندهان نیروهای مسلح قرار داد. این تصویب نامه صریحاً " میگوید:

" ماده - (هدف) ایجاد تسهیلات لازم در امر خرید و تامین نیاز مندیهای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در زمان جنگ "

" تبصره بند اول ماده ۳: کلیه قراردادهای منعقد از محل اعتبارات عملیات جنگی طبق مفاد قرارداد قابل پرداخت می‌باشد.

البته تا مین نیاز مندیهای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی محدود به زمان جنگ نمی‌گردد بلکه همین تجهیزات

مارکس و انگلس جنگ را از جانب آلمان بدلیل نقش عینی تاریخی مترقی آن " تدافعی " و از جانب فرانسه تجاوزکارانه ارزیابی می‌نمودند، ماهیت جنگ را غیر عادلانه می‌دانستند. اولین مانعیت شورای کل در این باره می‌نویسد: " جنگ آلمان، یک جنگ تدافعی است " و سپس از بیانیه کارگران نومی سورسن چنین نقل می‌کند:

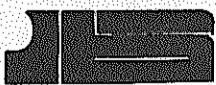
" آیا این جنگ عادلانه است؟ نه! آیا این جنگ ملی است؟ نه! این جنگ تنها دعوی دودودمان سلطنتی است. ما به نام بشریت، دمکراسی و منافع حقیقی فرانسه، بطور کامل و بیامتنهای نیرو، اعتراض به الملل علیه جنگ را تأیید می‌کنیم.

مارکس و انگلس علیرغم " تدافعی بودن جنگ از جانب آلمان در آغاز بعلمت خصمیت غیر عادلانه این جنگ مخالفت ببل و لیکنش را با اعتبارات جنگی تأیید نمودند. لنین در این مورد می‌نویسد:

" حتی در آغاز جنگ آنها امتناع ببل و لیکنش را از دادن رای موافق به اعتبارات جنگی مورد تأیید قرار دادند و به سوسیال دموکراتها تائیدی کردند که به بورژوازی همگام نباشند، بلکه از منافع طبقاتی مستقل پروتار یا دفاع نمایند. (لنین جنگ و سوسیالیسم)

در جنگ جهانی اول، که جنگی امپریالیستی بود لنین سوسیال دمکراتهایی را که به اعتبارات جنگی رای مثبت داده بودند خائنه‌وار به طبقه کارگر شمرده و ماهیت سوسیالیست خود را که تحت پوشش " دفاع از میهن " از منافع بورژوازی امپریالیستی خودی دفاع میکردند، فاش کرد و نشان داد که چگونه آنان تحت لوای " دفاع از میهن " ماهیت ارتجاعی جنگ امپریالیستی را از انظار توده‌ها پنهان می‌دارند.

مارکسیست هادریک جنگ ارتجاعی و غیر عادلانه تقویت حکومت خودی، از جمله رای دادن به اعتبارات جنگی یا تأیید نرابر مردم شمرده و



چه کسانی از تقویت ارتش دفاع می‌کنند؟

هما نگونه که ما مکرر در نوشته‌های چند هفته‌ای اخیر توضیح داده‌ایم یکی از اهدافی که امیر یالیسم و سرمایه‌داران ایران در جنگ دولتی‌های ایران و عراق دنبال می‌کنند، مسئله تقویت ارتش، انسجام آن و کسب نفوذ و اعتبار برای آن در میان توده‌های زحمتکش میهن ما بوده است. افزایش این مسئله و نتایج و عواقب آن برای توده‌های زحمتکش درست در بحبوحه جنگ و در شرایطی که یک موج ناسیونالیستی و دفاع از ارتش سراسر ایران را گرفته است کار بیست و سیار دشوار، اما وظیفه‌ایست سنگین بر دوش همه نیروهای انقلابی. ما که از منافع توده‌های زحمتکش دفاع می‌کنیم، ما که خود را پیشرو و پیرو نیمه وظیفه‌داریم که درست در چنین شرایط دشواری وظیفه‌ای خود را در قبال طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش انجام دهیم، حقایق را با آنها بگوئیم و صورت‌آنها را آگاه‌نماییم. ممکن است امروز توده‌های ناآگاه در مقابل ما بایستند، بحرفهای ما توجهی نکنند، حتی مبلغین ما را تک‌بزنند و مدافعیین سرمایه‌داران نظیر لیبرال‌ها و حزب جمهوری اسلامی به انواع و اقسام آنها ما را تازانند، اما حقایق برای همیشه پنهان نمی‌ماند، توده‌ها آگاه می‌شوند، و خود در زندگی و تجربه روزمره به واقعیت پی می‌برند. حتماً باید در آید هنگامی که ما با زرگان نخست وزیر منتخب امام و دارودسته "لیبرال" جناح اورا افساء می‌کردیم، بسیاری از توده‌های مردم بحرهای ما توجهی نداشتند. آن‌ها نظریه‌ها و عقایدشان به حاکمیت نمی‌پذیرفتند که نخست وزیر منتخب امام در جهت منافع سرمایه‌داران و امیر یالیسم کام بر دارند، اما چیزی نگذشت که حقایق بر ملا گشت خیانتهای او به خلق روشن شد و توده‌های زحمتکش میهن ما بی‌ماهیت بازگان و امثال او بودند.

بیاد آید، هنگامی که انیسار مدنی مزدور را افساء می‌کردیم و سرکوب زحمتکشان خوزستان را توسط او، بر نامه امیر یالیسم و سرمایه‌داران معرفی کردیم، توده‌های ناآگاه نمی‌پذیرفتند و او را یک شخصیت ملی میدانستند، اما بزودی توده‌های زحمتکش میهن ما بی‌برند و دور امیر یالیسم آمریکا است.

بیاد آید هنگامی که ما پس از قیام خواستار تسلیم خلق، منظور ندا و امثال و حمایت از نرسنل انقلابی ارتش و تشکیل شوراهای انقلابی از سر بازان، در جبهه‌های انقلابی و افسران جز انقلابی بودیم و هشدار میدادیم که اگر ارتش با ساخت گنوی خود حفظ شود، همین ارتش دست به هزاران توطئه و سرکوب خواهد زد، هنوز مسئله برای بسیاری از توده‌های زحمتکش روشن نبود تا اینکه سرانجام خود بتخریب طرح توطئه کودتای ارتش ضد خلقی دیدند و امروز نیز وظیفه ما است در شرایطی که امیر یالیسم و سرمایه‌داران می‌کوشند تا با استفاده از شرایط جنگ مقاصد خائنانه‌شان را عملی کنند. واقعیت را بتوده‌ها توضیح دهیم. با آنها بگوئیم ارتش دست پرورده شاه‌مرد و وابسته امیر یالیسم آمریکا نیست که در خدمت توده‌های مردم ما باشد و از منافع آنها دفاع کند، نمی‌تواند با تغییر و تحولی چند مهره و تغییر نام ماهیت آن را تغییر داد. این همان ارتشی است که هزاران نفر از توده‌های زحمتکش را بقتل رساند، همان ارتشی است که تا آخرین لحظات قیام رو در روی خلق ایستاد و تنها زیر ضربات کوبنده توده‌های قیام‌کننده و بخاطر جلوگیری از، از هم

پا شنیدگی بیشتر بدستور اربابان خود حاضر به عقب نشینی شد. تا در موقعیت مناسب اهداف شوم خود را عملی سازد.

این ارتش، ارتشی است سر تا پا وابسته و در خدمت امیر یالیسم و سرمایه‌داران وابسته ایران، ماهیت آن نمی‌تواند با اضافه شدن نام "اسلامی" به آن تغییر کند و توبه و استغفار سران و امرای ارتش در سر سپردگی آنها با امیر یالیسم تغییری پدید نمی‌آورد. اعتراف این واقعیت را حتی از دهان پاره‌های دست‌اندرکاران حکومت نیز بارها شنیده‌ایم.

یکی از نمونه‌هایی که آیت‌الله گیلانی حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب در روزنامه انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۹ شهریور از عیان میدان در نمونه بازرگان هزاران نمونه مشابه است. او میگوید، یکی از امرای ارتش که در دادگاه گرفتار شد و بعد مورد عنایت دولت جمهوری اسلامی و عفو او قرار گرفت سپهبد نامبرده را احضار کردم و به او گفتم: "تیمسار دولت جمهوری اسلامی نیازمند به افرادی چون شما در جهت پدافندی و حفظ آسمان ایران دار شما تلاش کنید از اینجا که بیرون رفتید به دشمنان امام و رئیس جمهور نپیوندید بگماریم و خودوی میافزاید که بعد از چند روز که از آزادی سپهبد مهدیون گذشت او را بار دیگر بجرم توطئه دستگیر کرده‌ایم بارها اعدا کردند این نمونه‌ها که در طی دو سال گذشته همیشه تکرار شده است، همواره میزبان لطف و بخشش گردانندگان جمهوری اسلامی را به عمل امیر یالیسم و خائنین به مردم نشان میدهند. امر او افسران ارتشی که یکشنبه سلمان و مردمی شده‌اند اینبار در پوشش اسلام به جناحینهای خود ادامه میدهند.

گردانندگان جمهوری اسلامی در طی این دو سال نه تنها توده‌ها را مسلح و آماده برای مبارزه علیه امیر یالیسم ننمودند بلکه به خلق سلاح توده‌ها و نیروهای مترقی همت گماشته‌اند. و در عین حال کودتاچیان را از آرزو و بخدمت گرفته‌اند و لابد اگر جنگ و در تشریح می‌شود آن عده معدودی را هم که بجرم شرکت در کودتا اعدا کرده بودند تیر کرده و ارتش اسلامی را تکمیل مینمودند و اکنون آنها هم "حر" گشته‌اند و جزو عقابهای آهنگین بال بودند. سران جمهوری اسلامی بازگشت امر او افسران فراری را مورد تائید قرار داد و او استقبال نمود. در کیهان شبانه مهر در پاسخ به درخواست اسرا و افسران ارتشی خارج از کشور که می‌ل به بازگشت به پست‌های قبلی هستند ارتش جمهوری اسلامی ایران مینویسد: ضمن تقدیر از این وفاداران با شرف و علاقمندان به اسلام و وطن اسلامی ایران امیدوار است که همه نیروها و قدرتهای انسانی در خدمت حکومت "مستضعفین" که ودیعت خداوندی است در آید.

بعد از قیام، "پاک‌سازی" که البته هدف اصلی آن تصفیه و اخراج نیروهای مترقی از سازمانها و موسسات بود تا تصفیه عناصر ضد خلقی، در ارگانها بعمل آید و ملی همین مختصر "پاک‌سازی" که از امر او ساواکیها و ضابطا غا تبه‌ها شده بود اخیراً با دعوتی که طی اطلاعیهای شماره ۲۱ تا ۲۲ صادر شد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران از افسران و امرای بازنشسته و مستعفی ارتش جهت همکاری بعمل آمده است خنثی گردید.

در اطلاعیه شماره ۲۱ آمده "برای اینکه همکاران ما که از نیروی مینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بازنشسته شده‌اند نیز بتوانند درین خود را به میهن اسلامی ایران ادا کنند بدین وسیله از کلیه افسران و درجه‌دارانی که قبلاً در زبدهی و توپخانه و مخابرات خدمت میکردند و از اول مهر سال ۵۶ تاکنون بازنشسته، باز خرید، یا مستعفی شده‌اند دعوت مینماید برای دفاع از اسلام و ایران به برادران خود بپیوندند.

امروزاً تبهائی که مدام در پی این بوده‌اند تا ارتش را بطور کامل بازسازی کنند و ترا در خدمت مقاصد شوم خود علیه زحمتکشان بکار بندند نه تنها منفورترین عناصر ارتش را که بر فشار توده‌های مردم و پرسنل انقلابی ارتش تصفیه شده بودند، باز می‌گردانند، بلکه زمینه‌ساز برای تقویت پیوند های ارتش با امیر یالیسم جهانی نیز بوده‌اند امیر یالیسم آمریکا، از طریق تجدید قرار داد های خرید تسلیحات و غیره پدید آورده‌اند.

آن‌ها زمینه‌ساز یافته‌اند تا در میان توده‌های مردم تبلیغ کنند که اگر ارتش همانند دوران رژیم مزدور شاه نیرومند بود، ارتش مزدور رژیم ضد خلقی عراق نمی‌توانست بمیهن ما حمله کند. آنها تبلیغ می‌کنند که اگر مزدوران که تصفیه شده‌اند، بسرکار بگردند، ارتش مجدداً نیرومند خواهد شد. اما نمی‌گویند که اگر رژیم جمهوری اسلامی از فدای قیام توده‌ها را خلع سلاح نکرده بود و زحمتکشان خوزستان را سرکوب نکرده بود، اگر پرسنل انقلابی، سر بازان، این فرزندان کارگران و دهقانان و در جبهه‌داران و افسران جز انقلابی را زیر فشار قرار ندادند، بود، و شوراها را از در هم نگویند، اگر بجای ارتش ضد خلقی، ارتشی پدید آمد که بود نظیر ویتنام، حتی امیر یالیسم آمریکا با تمام سلاحهای مدرنش قادر به مقابله با یک چنین ارتشی نبود و شکستش حتی بود تا چهره سرد با ارتش مزدور رژیم ضد خلقی عراق.

امروز نمایندگان سرمایه‌داران و عوام مسل امیر یالیسم، از ارتش نیرومند صحبت می‌کنند، اما نمی‌گویند که رژیم مزدور شاه با تکیه همین ارتش نیرومند میهن ما را در دست در اختیار امیر یالیستها بویژه امیر یالیسم آمریکا قرار داد و بود و همین ارتش نیرومند نه تنها هر صدای حق طلبانه توده‌های زحمتکش میهن ما را در گلو خفه می‌کرد بلکه خلقهای تحت ستم منطقه نظیر خلق فلسطین، خلق ظفار و خلقهای دیگر منطقه را نیز سرکوب می‌کرد و امثال فلاحی‌ها و ظهیر نژادها در اسارتش قرار داشتند. ما امروز یکبار دیگر بنام هموطنان زحمتکش خود می‌گوئیم که تقویت ارتش یعنی تقویت صدا انقلاب، تقویت ارتش یعنی تقویت موضع سرمایه‌داران و امیر یالیسم در میهن ما.

تقویت ارتش بهیچوجه در جهت منافع خلقهای تحت ستم منطقه نیست بلکه تنها بنگ امیر یالیسم و سرمایه‌داران و وابسته ایران است. ماهی گوئیم بازسازی ارتش بهر بهانه‌ای خیانت به توده‌هاست. ماهی گوئیم بجای تقویت ارتش توده‌های مردم باید مسلح شوند.

ما میگوئیم که تها خلق مسلح خلقی که در ارگانهای توده‌های متشکل شده با شد قادر است در مقابل هر گونه تجاوزی ایستادگی کند.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی-دمکراتیک خلقهای ایران



خاطرهٔ صیادان شهید گرامی باد مردم زحمتکش گیلان!

در مهرماه سال گذشته، رژیم جمهوری اسلامی یکبار دیگر دشمنی خود را نسبت به توده‌های زحمتکش میهن‌ناشان را در دریاها و خاست‌های حق طلبانه صیادان بندرانزلی، آنها را به گلوله بست. طی روزهای ۲۲ و ۲۳ مهرماه ۵۸، هفده نفر از زحمتکشان بندرانزلی بدست پاسداران سرما به یشا دت رسیدند اما این چنایت جمهوری اسلامی علیه توده‌های زحمتکش نه تنها کمترین خللی در مبارزه آنها برای گرفتن حقشان پدید نیارورد بلکه باعث شد مصمم تر و پیکرتر از گذشته بمبارزه خود ادامه دهند.

مردم زحمتکش گیلان! سال پیش در چنین روزی سینه صیادان زحمتکش انزلی آماج گلوله‌های پاسداران ترار گرفت. در تاریخ ۲۲ و ۲۳ مهرماه ۵۸، اعتراضی بحق صیادان انزلی علیه گردانندگان شیلات و سرمایه داران، بخون آغشته شد و ۱۷ شهید و دهها زخمی برجای نهاد. حاکمیت ضد انقلابی که کینه این نسبت به زحمتکشان بر کسی پوشیده نیست، از دستگای تالیفات و تبلیغات خبیثانه فدائیان خلق را مسبب این واقعه دانسته و تبلیغات وسیعی را علیه سازمان ما سازماندهی نمود. اعتراض وسیع زحمتکشان گیلان علیه این چنایت جمهوری اسلامی و افشای نیروهای انقلابی باعث شد که کمیته ضد انقلابی برای خاموش کردن خشم بحق صیادان نوسرکوبیهای انقلابی اجباراً صید را آزاد اعلام نماید. اما این آزادی صیدی از گذشت یکسال ماهیت عوامفریبانه خویش را برای صیادان زحمتکش عیان ساخته است. امروز صیادان زحمتکش انزلی شاهد آنند که چگونه صاحبان توره‌های بزرگ یعنی سرمایه داران نو-سماک‌ها آزادانه با استثمار صیادان بی‌شان به صید آزاد مشغولند، در صورتی که صیادان زحمتکش انزلی خواهان کنترل صید توسط اتحادیه صیادان شمال بوده‌اند.

مردم مبارز گیلان! رژیم جمهوری اسلامی در یکسال گذشته با تبلیغات وسیع علیه فدائیان خلق و سایر نیروهای انقلابی کوشش نمود که بین کارگران و زحمتکشان با نیروهای انقلابی جدائی افکند و هما نگونه که شاهدید در این کارنا موفق ماند زیرا که فدائیان همواره در دفاع از منافع توده‌های خلق جان برکف داد. ماه مبارزه اندواین پیمانگی است ناگسستی که فدائیان با خلق زحمتکش ایران بسته اند و به گواه خلقهای تهران ایران در هر کجا که صدای حق طلبانه‌ای توسط مزدوران جمهوری اسلامی سرکوب شود، فدائیان خلق پیشاپیش توده‌های زحمتکش علیه این سرکوب مبارزه خواهند کرد. در سه هفته‌ی گذشته مردم آگاه و مبارز ایران شاهد یک جنگ قدرت طلبانه بین دولت‌های عراق و ایران هستند، جنگی که با تمام ظواهر فریبنده و سود سرمایه داران آغاز شده و بزیان زحمتکشان هر دو کشور بیا بان خواهد رسید. دولت ایران میکوشد که در بین توده‌های نا آگاه خود را ضدا مپریالیست و حامی زحمتکشان جلوه دهد تا با بسیج هر چه بیشتر مردم در این جنگ ارتش وابسته را منسجم نماید. اما همه آگاهانند که این دولت از مسلح کردن مردم و بویژه کارگران بیمناک است و حتی از این جنگ نیز برای سرکوب نیروهای ضدا مپریالیستی و انقلابی ایران بهره میجوید. اخراج کارگران مبارز و معلمین مترقی در سراسر ایران بهترین محک شناسائی این دولت با اصطلاح ضدا مپریالیستی است. در چنین شرایط حساسی وظیفه ما و همه نیروهای انقلابی است که از یکسویا محکوم کردن این جنگ با افشای ماهیت ارتجاعی آن پرداخته و از سوی دیگر با بسیج و مسلح کردن توده‌های زحمتکش از طریق شوراها و کمیته‌های محلی در مناطق جنگ زده دفاع از منافع توده‌ها بپردازیم. اتحاد این سیاست انقلابی از جانب سازمان باعث شده که نیروهای مزدور جمهوری اسلامی بیش از پیش بر علیه سازمان ما تبلیغ کنند و حملات خویش را علیه رزمندگان سازمان ما در مناطق جنگ زده گسترش دهند، زیرا که ما خواهان مسلح کردن مردم هستیم و دولت جمهوری اسلامی خواهان خلق سلاح مردم.

صیادان مبارز گیلان

در یکسال گذشته سازمان ما ضربات سنگینی را متحمل شده است. تبلیغات وسیع حاکمیت ضد انقلابی و بسیج نیروهای جماعت‌دار و گروه‌های تروریستی حزب جمهوری اسلامی علیه سازمان ما از یکسویا تسلیم طلبی بخش قابل ملاحظه‌ای از کارگرهای رهبری کیننده سازمان، کمیته مرکزی "از سوی دیگر باعث شده که نتوانیم بطور فعال و بیابسته‌ای نیروهای خود را در ارتباط مستقیم با شما زحمتکشان بندر قرار دهیم، اما مطمئنیم که با تلاش پیگیرهوا داران صدیق سازمان این ارتباط هر چه زودتر با محتوای انقلابی اش برقرار خواهد شد و متحدان در جهت تشکیل اتحادیه سراسری صیادان شمال مبارزه خواهیم کرد و با اتحاد و یکپارچگی خود مشت محکم دیگری بر دهان صاحبان توره‌های بزرگ و حامیانشان در دولت جمهوری اسلامی خواهیم کوبید و راه‌سرخ صیادان شهید را ادامه خواهیم داد.

درد بر صیادان شهید و تمام شهدای بخون خفته خلق

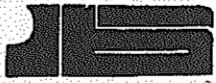
مستحکم باد اتحاد صیادان مبارز با نیروهای انقلابی

تا بود با دامپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پیانگاه‌ها خلیش

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - شاخه گیلان

۵۹ / ۷ / ۲۳

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضدا مپریالیستی
دمگراتیک خلقهای ایران است



بقیه از صفحه ۱۶

● اخبار جنگ خوزستان

مهاجرین بادی و پرمشهری است جمعیت بسیار انبوهی را تحمل کرده است. پیش از زده هزار نفر (۱۰۰۰۰) میگ ها ارتش مزدور عراقی بقصد تخریب سا ختمان سپاه و زاندار مری که مجاور هم است حمله کردند ولی کسن راکت ها به هدف نخورد و در خاک منفجر شد. در پشت بام زاندار مری تنها یک تیرباران ۳۰۰ را داشت که موقع حمله میگ ها هیچکس پشت آن نبود.

● روز جمعه ۲۵ مهر توخانه عراقی در خویین را کوبید. سازمان آب در خویین که

اب مصرفی شادگان - پترو شیمی - حمیدیه را تا مین میکندیرا تری این حمله آسیب دید. سربازان محافظ سازمان که فقط ۳۰۰ - داشتند همراه کارمندان سازمان آب گریختند.

● روز جمعه ۲۵ مهر توخانه ارتش عراقی ها شهرشوش و نواحی اطراف آن را به شدت کوبید. دودا زبرخی نقاط مسکونی شهر با آسمان بلند است. در شهر پرنده پرنمیزند. توپخانه مزدور عراقی مزارع اطراف جاده شوش به شوشتر را تا حد کیلومتری میزنند و

خود جا ده در چند نقطه آسیب دیده است.

● در شهر دزفول نیز خرابیهای بسیار از جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراقی بیار آمده است. در این شهر عمق فاجعه ساختار حمله های موشکی عراقیها شدیدتر است. تا بحال دزفول دوبار و هربار بشکلی شدید و وحشیانه مورد حمله موشکی قرار گرفته است. انفجار موشک ها تا شعاع صد متری را ویران کرده و خانه های گشت و کلی اهالی را بر سرشان ریخته است. در این

حمله ها بیش از دو بیست نفر از زحمتکشان دزفول جان خود را از دست داده اند ولی شهر به نسبت اهواز شلوغ تر است و مغازه ها اکثرآباز هستند. مردم بتماشای نقاط ویران شده میروند و با دیدن خانه خرابی ها و ویرانی ها جنگ لعنت میفرستند. در سطح شهر از آمدورفت آدمهای مرفه شهر نشانی نیست. دیوارها پراستاز آگهی های ختم و ترحیم و تدفین و شهادت جوانان ● ساعت ۵/۵ صبح روز دوم آبان ماه نبرد ناگهانی که بین دولتهای ایران و عراقی جریان دارد با شلیک توپخانه، اوجی تازه گرفت. گلوله های عراقی به کارخانه نورد اهواز خورد و آتش سوزی شدیدی به

وجود آورد. آتش با زحمت بسیار خاموش شد اما دود غلیظی نیمه از شهر را پوشانده بود. ساعت چهار بعد از ظهر هم چند گلوله به شهر شلیک شد که به محله کمیل و خورد ولی آسیبی جانی نداشت.

● در حمله به حسینیه اعظم اهواز و دزفول کشته شد.

● ساعت یک روز آبان ماه به راه آن حمله هوایی شد و ساعت چهار رها می خرابان نظامی چهار راه و کیلی به ساختمان و کالت گلوله خورده و یک نفر کشته و سه نفر زخمی شدند که این سه نفر روز بعد از خود را از دست دادند.

روز ۳ مهر بهداری مسجد سلیمان مورد حمله هوایی دشمن قرار گرفت که چهار نفر کشته شدند.

● شادگان، پناهگاه مردم جنگ زده ...

بقیه از صفحه ۱۶

تعداد زیاد دیدی در اطراف شهر زده شده است.

در هر جا در یک یاد و خانواد پناه گرفته اند، تنها می این مهاجرین عرب زبانند و با اندک وسایلی که هنگام فرار از شهر توانسته اند با خود بیاورند بسیار سختی مشکلات بسیار، خانه خرابی این جنگ را تحمل میکنند. غیر از انبوه جا درها که در ردیفهای منظم زده شده، مردمی که چادر به آنها نرسیده است در مدرسه مسجد، نخلستانها و حتی پیاده روها و حیاط اداره ها را اشغال کرده و اثاث خود را پهن کرده اند. شهر سه چهارم را نواشی دارد که جلوه گر کد مافی طویل کشیده شده و اینگونه صفها که شاید طولش به صد ها متر برسد جلوه گر خانه یخ و شرکت گاز و شعبه فروشن نفت هم دیده میشود. جلو سا ختمان جهاد ساس زندگی آنچنان صف طویلی برای گرفتن نان وجود دارد که بیش از پانزده یا سدار مسلح از برقراری نظم عاجزند. به هر نفر سه نان بواش میدهند و این برای خانواده های زحمتکش کافی نیست، هر خانواده چهار یا پنج بچه دارد.

این است که اغلب جلو جا درها ایشان تنور درست کرده اند و ناهمبیزند. برای شستن ظروف و لباس ها از آب رودخانه ای که از وسط شهر میگذرد استفاده می شود و از هر دو طرف تا دور دست زن و مرد را مشغول شستشو میتوان دید. اینها زحمتکشان هستند که در ورنج و محرومیت سالهای زندگی شان را جنگ فزونی داده، خانه های اکثرشان را بر اثر اصابت راکت میگا و توپخانه مزدوران عراق ویران شده است.

خانواده های بسیاری عزیزان خود را در میان باران از دست داده اند، و سایل زندگی شان را در زیر آوار پانده و بارها شده است. زیر پایشان نفت موج می زند و در این اردوگاه برای روشن کردن آتش محبوسند. همیزم جمع کنند و با مرارت بسیار آتش درست کنند.

بلی بیست ماه است نزار رژیم جمهوری اسلامی هیچ گونه قدمی جهت بهبود وضع ایمنان که بخش وسیعی از محروم ترین مردم میهن ما را تشکیل میدهند، برداشته نشده است. اینک نیز جنگی که حزب چا رگی و آوارگی و خانه خرابی،

فقر و بیکاری و بیماری ارمغان دیگری برای آنها نداده، گریبان تکثیرشان شده، عزیزان شان را گرفته و خودشان را آوارده کرده است.

صبح روز جمعه ۲۵ مهر ساعت ۹/۳ شادگان مورد حمله دومین عراقی قرار گرفت. میگ ها و وحشیانه هجوم کرده و با پرواز در ارتفاع با این هر کدام چند راکت برای تخریب ساختمان سپاه یا سداران و زاندار مری پرتاب کردند که با صد متر جلوتر از هدف منفجر شد. اگر فقط کمی جلوتر راکت ها منفجر میشد بیسی چند هزار تن که در صف نان ایستاده بودند هدف واقع شده و عده اتن کشته و مجروح میشدند. این حمله کسه اولین حمله در طول جنگ به شادگان بود موجب وحشت بسیار مردم شد، آنها مویه کشان به نخلستانها میگریختند، کودکان گریه کنان بر جای میماندند و زبردست و با میرفتند و زنها بر زمین میغلطیدند و به هر دو دولت ایران و عراق فحش میدادند. این جمعیت محروم انسانی در گریز از میان جا درها و پناه به نخلستانها با جانان

فریاد و فغانی میشتافتند که عمق نفرت زحمتکشان را از غریت جنگ دولتهای مورژواری نمایان میساخت. عده در ترین مشکل این اردوگاه مساله بهداشت آن است که با توجه به منحصر بودن بیمارستان شادگان و چند جا در کمکهای اولیه حلالا حمر کمبود امکانات کامل بجمعی خورد. این امر بخصوص با توجه به عدم رعایت مسائل بهداشتی و بی نظمی های که طبیعی ترین میراث فقر است، خطرناک میباشد. با توجه به گرمای آفتاب جنوب و جمعیت فراوان مهاجرین، خطر ابتلا به بیماریهای واگیر آوان است.

با یگا رژیم در بین این زحمتکشان که بیشتر با خطر مسافلی مانند سینما رکن و جنگ با سداران، عربها در سال گذشته، هنگام آستانداری مدنی بزدور، سست بوده سعیف تر شده است.

بیشتر حیوانات از آنکه سلحه با آنها نمیدهند عصائی هستند و میپرسند آ نهمه توپ و تانک ارتش کجاست، چرا نمی آیند؟ تا توانی فعلی در جنگ با عراق اثر و روحی عمیقی

گداشته و بدبینی نسبت به رژیم را افزایش داده است. در تمام طول اردوگاه در آن روزی که بودم یک روحانی ندیدم، پاسداران و زاندار مری شادگان جز تفنگ ۳۰۰ و چند تیربار سلاح دیگری نداشتند. این برای شان مساله است، آنها بعد از حمله میگا ها میپرسیدند پس این تشنها کجاست و چرا را دیو هر روز بدروغ میگوید چندتا میگ را انداختیم. عدم اعتماد به اخبار رادیو با رزق، مساله ای بود. این در اهواز شادگان و دارخوین و اندیشک و دزفول دیدم، این مناطق چون خود در معرض مستقیم حمله قرار دارند و شادگان هم باران میگهای عراقی و فرار آنها هستند کوچکترین اعتمادی را دینواختار دوتی ندارند.

شهر شادگان کاین روزها بیش از هر چیز با آوار اردوگاههای طنز فلسطین است، یکبار دیدم که وضع نشان میدهد که جنگ فعلی غیر عادلانه است و در طول جنگ و بعد از آن جز فقر و خرابی و کشتار برای زحمتکشان هیچ چیز نیست.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات
ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

● اخبار جنگ خوزستان

● روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه (۲۳، ۲۴ و ۲۵ مهر) قسمت غربی شهر اهواز که لشکرها و اودارات شهر در آن واقع است از صبح تا غروب آفتاب مورد هجوم توپخانه عراق بود. عراقیها با توپهای خمسه - خمسه شهر را میگویند و قسمت غربی کا رو را کثرت دارا توخانه ها ویران شده است. تمام مردم این قسمت شهر را تخلیه کرده اند. از یادگان به توپخانه عراقیها جواب داده میشود.

● طبق بخشناهای بد کا رو مندا بدولت اخطار شد که با بدسرهاهای خود حاضر باشد و در صورت غیبت

با آنان طبق مقررات از میان جنگ رفتا رخا هشد و این در حالی است که ۹۹ پیگسبه شهر را تطبیه کرده و بشهرلو دیگر گرفته اند. کا رو مندان خا نواده خود راه شهرهای امن فرستاده اند و در قسمت شرقی شهر اهواز در چند زیر زمین شهر آسار میکنند و روزها هم اکثر آنها درهما نیز زیر زمینها بسر میبرند.

● بیش از نود و پنج درصد مردم شهر اهواز را ترک کرده اند، غیر از معدودی از جوان های شهربقیه کسانی که مانده اند فقیر ترین اقشار شهری را تشکیل میدهند، آنها هم با طر

بیدا نکردن وسیله نقلیه در شهرمانندگا ر شده و باییه سیار حوادث را دنبال میکنند.

● قسمت جنوبی میدان شهدای شهر اهواز بر اثر حمله میگ های عراقی بکلی ویران شده است. گویا میگ ها بقصد حمله به مخابرات آمده و اشتباها آنها را هدف گرفته اند. تعدادی کشته و محروم نتیجه این حمله بوده است.

● روز جمعه بیست و پنج مهر دو میگ عراقی ساعت ۹/۳۰ صبح شهرشادگان را - مورد حمله قرار دادند. این شهر که پناگاه عمده

● شادگان، پناگاه مردم جنگ - زده آبادان، اهواز و خرمشهر نیز بمباران شد

شهرشادگان که فاصله ۲۴ کیلومتری از کیلومتر ۶۰ عاده اصلی اهواز به آبادان قرار دارد بدنبال جنگ دولتهاي ایران و عراق به یکی از اردوگاههای مهاجرین شهرهای جنگ زده آبادان و اهواز و خرمشهر تبدیل شده است. بخلاف گفته های رادیو و تلویزیون اکثر اهالی شهرهای اهواز، آبادان و خرمشهر، شهرهای انسان ها فشرده و خود را ترک کرده اند. آنها هم که توانایی مالی داشته اند و خلستانها را پوشاننده با پرداخت مبلغ مخاف به شهرهای دور دست مثل

بقیه در صفحه ۱۵

بقیه در صفحه ۱۵

گرامی باد خاطره شهدای آبانماه

هر کوجه، هر خیابان - هر میدان - در سالروز سرخ شهادت نام بزرگ جاویدانترا فریاد میکند

ایمان به آرمان سترگت روزی نه چندان دور پای ستمگنان را از زنجیر آزاد میکند

هر برگ تقویم، یادآور شهادت ازجان گذشتگانی است که پیشاپیش خلق پرچم مبارزه های خونین را برافراشتند و در راه پیروزی آرمان کارگران و زحمتکشان از فدا کردن جان خویش دریغ نکردند. اینان که عشقشان به ستمدیدگان پایانی نداشت، پایمردی شان را در زیر شکنجه دژ خیمان و در برابر گلوله های مزدوران امپریالیسم نشان دادند و ثابت کردند که فدائیان خلق بر پیمان خونین خویش با کارگران و زحمتکشان، استوار ایستاده اند و در این راه متردد در دلشان جانی ندادند. یاد این رفقا بمانی آموز دهر گز به تسلیم و سازش تن ندهیم و هم در راه پیروزی آرمان کارگران و زحمتکشان گام نگذاریم.

★ فدائی خلق رفیق رحیم خدادادی

در سال ۱۳۲۹ در سراب متولد شد. او ضمن تحصیل به کار در مزارع و کوره های آجر پزی پرداخت. در سال ۴۹ با چند تن از رفقایش گروهی تشکیل داد و در همین رابطه در سال ۵۵ دستگیر و به یک سال و نیم زندان محکوم شد. پس از آزادی ده پندم توسط شاه را گرفت و به سرپایز رفت ولی سه ماه پس از آغاز سرپایز، به زندگی مخفی روی آورد. تا اینکه در ششم آبانماه ۵۵ در تبریز خورد مسلحانه با مزدوران پلیس و ساواک، در خیابان نواب تهران شهادت رسید و زندگیش را که از کودکی با رنج و کار همراه بود - در راه خلق فدا کرد. یادش گرامی باد.

★ فدائی خلق رفیق محمد رضا چمنی

در سال ۱۳۲۴ در اراک متولد شد. او تحصیلاتش را در دانشکده پلی تکنیک هورشتم مکانیک بیابان رساند و برای بدست آوردن تجربه و برای اینکه پلیس نتواند او را شناسائی کند در جاهای مختلفی چون کارخانه ماشین سازی اراک - کارخانه ذوب آهن و شرکت نفت بکار پرداخت. وی در روز نهم آبانماه ۵۳ در پالایشگاه آبادان دستگیر شد و پس از تحمل وحشیانه ترین شکنجه ها، در حالی که دنده هایش شکسته، ریه هایش سوراخ شده، کلیه هایش از کار افتاده و معداش دچار خونریزی شده بود بوسیله آمبول هوادر بیمارستان جنیدیشاپور، بدست مزدوران ساواک شهادت رسید.

★ فدائی خلق رفیق علی دبیری فرد

در سال ۱۳۲۷ در تبریز متولد شد. او در سال ۴۶ به دانشکده فنی دانشگاه تهران راه یافت و در سال ۵۵ در رابطه با مبارزات دانشجویی دستگیر شد و سپس به سرپایز فرستاده شد. رفیق در سال ۵۲ دوباره دستگیر و به یک سال زندان محکوم شد. در سال ۵۴ به زندگی مخفی روی آورد و در سی ام آبان همان سال ضمن یک درگیری با برابری مزدوران ساواک شاه شهادت رسید.

★ فدائی خلق رفیق شاهرخ هدایتی

رفیق شاهرخ در مهرماه ۵۵ در جنگال مزدوران ساواک اسیر شد و پس از تحمل شججهای بسیاری که منجر به کور شدن او گردید در زیر شکنجه شهادت رسید.

★ فدائی خلق رفیق عبدالحسین براتی

رفیق دانشجوی سال چهارم اقتصاد دانشکاه تهران بود. وی در تاریخ ۱۳ مهرماه ۵۵ در درگیری با مزدوران ساواک شهادت رسید و جان خویش را در راه آرمان مقدس - پیروزی طبقه کارگر - فدا کرد. یاد این شهید را گرامی میداریم و ایما نشان را به پیروزی کارگران و زحمتکشان میستائیم.

★ فدائی خلق رفیق مصطفی شمس الدین

ستونیکه از پناهنده در تاریخ ۱۴/۵/۵۹ بسمت سردشت شروع بحرکت کرد - سرانجام پس از مدت ها درگیری با تلفات بسیار در هفتماه خرمشهر پیرو وارد سردشت شد. این ستون در تاریخ ۱۸/۵/۵۹ در دزاسون توسط پیشمرگان قهرمان کرد متوقف شد. این ستون در مسیر خود تحت عنوان بازسازی بسیاری از دهکده های اطراف دزاسون را سوزانند و با خاک یکسان کرد. در جریان این - درگیریها ۲ نفر از پیشمرگان فدائی بنا مهای کاک قاسم معروفی و کاک ابوبکر آرمان شهید شدند. همچنین رفیق مصطفی شمس الدین در جریان ماموریتی که در رابطه با این ستون داشت پس از برگشت به بوکان در اثر تصادف در دهکده فوتیل شهید شد. جسد این رفیق در حضور خانواده او و نمایندگان سازمان در قبرستان خانقاه در اطراف مهاباد بجاک سپرده شد. یادش گرامی باد.

همچنین در جریان درگیری با این ستون ۴ پیشمرگ کومولف یک پیشمرگ دموکرات - یک پیشمرگ وحدت انقلابی و ۲ پیشمرگ چریکهای فدائی خلق ایران شهید شدند. یاد همه این شهدا گرامی باد.

ضمنا لازم به توضیح است که در مطلب مربوط به شهدای مهرماه، در مورد نحوه شهادت این رفیق اشتباها هی رخ داده بود که بدین وسیله اصلاح میشود.

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش